



حمله‌ها هدفمند به قالیباف
تشدید انتقادات تندروها به رئیس مجلس



غروب جی هفت؟
گردهمایی سران اروپایی و آمریکایی



ناگفته‌های موحد
رونمایی از کتاب آنچه نامد...



بحران بانکداری
قطعی چهار بانک دولتی پنج‌روزه شد

رفع محاصره دریایی

آمریکا اولین گام توافق را برداشت
و تردد کشتی‌های ایرانی آغاز شد
همزمان بازگشایی تدریجی تنگه هرمز
نیز صورت گرفت

سرمقاله

هنر دوران پسا جنگ

چگونه دستاوردهای امنیت را
به گشایش اقتصادی تبدیل کنیم؟



محسن هاشمی‌رفسنجانی

رئیس شورای مرکزی
جنب کارگران سازندگی ایران

عبور از فضای تقابل نظامی و ورود به مرحله توافق، تثبیت صلح و بازسازی ظرفیت‌های ملی، آزمون بزرگ‌تر و پیچیده‌تر از مدیریت میدان جنگ است. نخستین و مهم‌ترین دستاورد شرایط کنونی، پایان یافتن تخاصم مسلحانه و بازگشت پرونده اختلافات به مسیر سیاست و دیپلماسی است. در بسیاری از منازعات معاصر، تعیین مرز دقیق میان پیروزی و شکست کار آسانی نیست. اما آنچه می‌توان با اطمینان گفت، این است که ملت ایران توانست با حفظ انسجام ملی، اقتدار دفاعی و پایداری سیاسی از یک آزمون بزرگ عبور کند. این موفقیت حاصل فداکاری فرزندان این سرزمین در میدان، ایستادگی مردم و تلاش دیپلمات‌ها و سیاستمدارانی است که در دشوارترین شرایط از منافع ملی دفاع کردند. البته واقعیتی حکم می‌کند که از خوشبینی‌های شتابان‌زده پرهیز شود. مسیر رسیدن به توافق نهایی هنوز به پایان نرسیده و موانع و پیچیدگی‌های فراوانی در پیش است. تجربه روابط ایران و آمریکا نشان داده که هیچ توافقی صرفاً با امضا تضمین نمی‌شود و پایداری آن نیازمند اراده سیاسی، اعتمادسازی متقابل و درک صحیح از تحولات منطقه‌ای و جهانی است. با این حال نشانه‌ها حاکی از آن است که دو کشور به سمت توافقی حرکت می‌کنند که می‌تواند یکی از مهم‌ترین نقاط عطف سیاست خارجی ایران در دهه‌های اخیر باشد. اگر این توافق به سرانجام برسد و وضعیت مزمن بحران از روابط دو کشور کنار رود، ایران با دو تصویر متفاوت از آمریکا مواجه خواهد شد: آمریکایی که مانع توسعه ایران است و آمریکایی که می‌تواند به بخشی از فرصت‌های توسعه ایران تبدیل شود. واقعیت این است که طی سال‌های گذشته، آمریکا صرفاً طرف یک اختلاف دوجانبه نبوده است. تحریم‌های ثانویه این کشور به مانع جدی برای روابط اقتصادی ایران با بخش بزرگی از جهان تبدیل شده‌اند. بسیاری از شرکت‌ها و بانک‌های خارجی، حتی در کشورهایمانند چین و روسیه، مقررات تحریمی آمریکا را در قراردادهای خود لحاظ کرده‌اند و در مواردی آن را جزئی از شرایط فورس‌ماژور قرار داده‌اند. نتیجه این وضعیت آن بوده که اختلاف ایران و آمریکا عملاً بر روابط ایران با بسیاری از شرکای اقتصادی دیگر نیز سایه انداخته است. از این منظر توافق احتمالی صرفاً به معنای بهبود روابط تهران و واشنگتن نیست و می‌تواند، گره بزرگی را از مسیر تعامل اقتصادی ایران با جهان باز کند. حتی اگر روابط اقتصادی مستقیم ایران و آمریکا در کوتاه‌مدت گسترش نیابد، رفع موانع ناشی از تحریم‌های ثانویه می‌تواند، فرصت‌های تازه‌ای برای تجارت، سرمایه‌گذاری، انتقال فناوری و همکاری‌های مالی با سایر کشورها ایجاد کند. در عین حال نباید خود را صرفاً در چارچوب روابط با آمریکا تعریف کند. یکی از پیامدهای مهم مقاومت و ایستادگی در این دوره افزایش اعتماد به نفس ملی و ارتقای جایگاه منطقه‌ای کشور است. ایران پس از این تجربه می‌تواند با قدرت بیشتری روابط خود را با همسایگان توسعه دهد و همکاری‌های اقتصادی و امنیتی منطقه‌ای را گسترش بخشد. همچنین اکنون زمان آن فرارسیده که در روابط با شرکای شرقی، به‌ویژه چین و روسیه، بازنگری واقع‌بینانه‌تری صورت گیرد. سال‌ها تحریم موجب شد، برخی شرکای خارجی از محدودیت‌های ایران به عنوان اهرم فشار اقتصادی استفاده کنند. در فضای جدید، انتظار طبیعی آن است که این روابط به سمت توازن و احترام متقابل بیشتری حرکت کند. دسترسی به سازوکارهای بانکی شفاف، تسهیل مبادلات مالی و کاهش هزینه‌های ناشی از محدودیت‌های گذشته، از جمله مطالبات منطقی ایران در مرحله جدید خواهد بود. اما مهم‌تر از همه اینها نباید فراموش کرد که هیچ توافقی خارجی، هرچند مهم و تاریخی، نمی‌تواند جایگزین سرمایه اجتماعی و انسجام ملی شود. تحولات ژئوپلیتیکی منطقه همچنان پرشتاب و غیرقابل پیش‌بینی است. توافقی‌های سیاسی نیز در خلأ شکل نمی‌گیرند و همواره تحت‌تأثیر رقابت قدرت‌ها، بحران‌های منطقه‌ای و تغییر موازنه‌های جهانی قرار دارند. از همین رو، تقویت بنیان‌های داخلی کشور مهم‌ترین تضمین برای پایداری هر توافقی خواهد بود.

ادامه در صفحه ۲

۹۰ دقیقه تشویق

ایران در اولین بازی خود در جام جهانی ۲۰۲۶ در برابر نیوزلند به تساوی ۲ بر ۲ رسید
علیرغم جوسازی‌های صورت گرفته؛ ایرانیان مقیم آمریکا با حضوری چشمگیر در ورزشگاه سوفای لس آنجلس در تمام زمان مسابقه، یک‌صدا به تشویق تیم ملی ایران پرداختند

فیفا را هم به‌همراه داشت اما در نهایت دادگاه ساعتی قبل از مسابقه اعلام کرد که نمی‌تواند قوانین فیفا را به‌خاطر یک بازی یا یک تیم تغییر بدهد و در نهایت حکم به ممنوعیت ورود پرچم داد. با این وجود بسیاری توانستند، پرچم‌های شیروخورشید را به ورزشگاه ببرند اما آنها تنها گروه هواداران ایرانی در ورزشگاه نبودند. بسیاری از هواداران نیز با پرچم رسمی ایران به ورزشگاه سوفای رفته بودند و در طول ۹۰ دقیقه تیم ملی را تشویق کردند. با تمام این حواشی اما در نهایت تیم ملی ایران درحالی اولین بازی‌اش را در جام جهانی ۲۰۲۶ برگزار کرد که پرچم رسمی ایران در ورزشگاه برافراشته شد و با آنکه فدراسیون اعلام کرده بود در صورت شعارهای سیاسی و یا برافراشته شدن پرچم شیروخورشید بازی را متوقف خواهد کرد، این اتفاق رخ نداد

ادامه در صفحه ۴

از اپوزیسیون از ماه‌ها قبل برای ورود پرچم‌های شیروخورشید، کمین‌های گوناگون راه انداخته بودند اما فیفا چند روز مانده به آغاز مسابقه، اعلام کرد که ورود پرچم با نقش شیروخورشید به ورزشگاه ممنوع است. ماجرای که شکایت یک شرکت حقوقی از

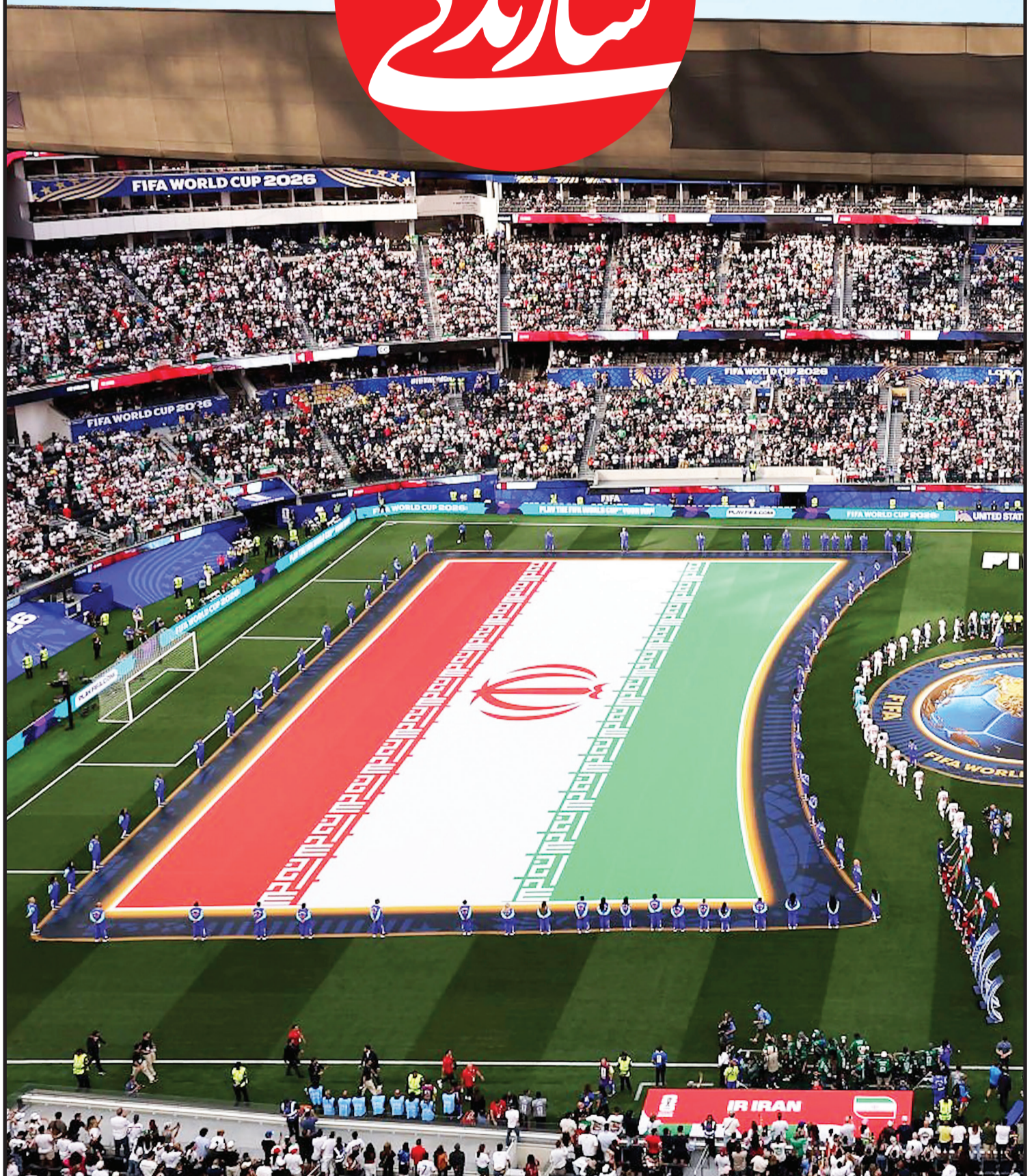
از جام جهانی ۱۹۵۸ تاکنون، سابقه نداشت که در یک روز از مسابقات جام جهانی، چهار بازی از

مجموع هشت دیدار با نتیجه تساوی به پایان برسد؛ اما در پنجمین روز جام جهانی ۲۰۲۶ دقیقاً همین اتفاق رخ داد. با وجود مساوی شدن همه بازی‌ها، هر چهار مسابقه سرشار از هیجان و لحظات نفس‌گیر بود و تا آخرین ثانیه، تماشاگران را روی لبه صندلی نگه داشت. اما برای ایرانیان، بی‌شک همه حواس‌ها از روز گذشته به ورزشگاه سوفای لس آنجلس و اولین بازی تیم ملی معطوف شده بود. جایی که از مدت‌ها قبل از آغاز این مسابقه، حواشی و جنجال‌های زیادی به‌وجود آمده بود. یکی از مهم‌ترین حواشی مربوط به ماجرای پرچم ایران بود. گروه‌های مختلفی



امید ذاکری‌نیا

گروه فرهنگ



سیاست

آغاز فصلی نوین

جهانگیری: همه با هم به یاری ایران، ملت و نظام بشتابیم



اسحاق جهانگیری، معاون اول دولت‌های یازدهم و دوازدهم در بیانیه‌ای با اشاره به شرایط «نه جنگ و نه صلح» و فضای پرتنش ماه‌های گذشته تأکید کرده که این تفاهم می‌تواند، نقطه آغاز بازتعریف مسیر سیاست خارجی و داخلی و بسترسازی

و شروع حرکت برای حل مسائل و بحران‌های اقتصادی و اجتماعی و اهتمام به بازسازی و توسعه همه‌جانبه کشور باشد. جهانگیری روز سه‌شنبه در بی‌امضای یادداشت تفاهم پایان جنگ میان ایران و آمریکا در بیانیه‌ای در کانال تلگرامی خود نوشت: «در میانه وضعیت بحران‌زا و خطرآفرین «نه جنگ و نه صلح» و زندگی مردم شریف ایران در بیم و امید جنگ و صلح، شسورای عالی امنیت ملی کشور به‌عنوان نهاد مسئول با تأیید مقام رهبری، موافقت جمهوری اسلامی ایران را با تفاهم بر سر پایان جنگ در تمام جبهه‌ها اعلام کرد». جهانگیری یادآور شده است: «دستیابی ایران و آمریکا به تفاهم اولیه برای رسیدن به توافق نهایی و صلح پایدار، دستاوردی بزرگ در پایان دادن به جنگی خسارت‌بار است که با دفاع مقتدرانه نیروهای مسلح، مقاومت جانانه همه قشرها و گروه‌های مردم، مدیریت شایسته دولت و شخص رئیس‌جمهور محترم و تدابیر تیم مذاکره‌کننده در چارچوب هدایت آینده‌نگرانه رهبر شهید انقلاب و راهگشایی‌های دایمانه مقام معظم رهبری حاصل شد». معاون اول دولت‌های یازدهم و دوازدهم در ادامه خاطر نشان می‌کند: «اگرچه این تفاهم به منزله پایان چالش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و امنیت ملی نیست اما به منزله آغاز فصلی نوین در سیاست خارجی و داخلی و بسترسازی و شروع حرکت برای حل مسائل و بحران‌های اقتصادی و اجتماعی و اهتمام به بازسازی و توسعه همه‌جانبه کشور است؛ از این رو باید همه نهادها و جریان‌های حاکمیتی و همه گروه‌ها و جریان‌های سیاسی و مدنی و آحاد نخبگان و عموم مردم با همه تفاوت‌ها و تمایزها یک زبان و یک‌پارچه از این اقدام افق‌گشا و تاریخی حمایت کنند». جهانگیری معتقد است: «آنچه در این حمایت عملاً بیش از هر چیز اهمیت دارد، توجه توأمان و هم‌بسته به «دو میدان دفاع و دیپلماسی»، اولویت منافع ملی و عبور از بحران‌های درهم‌تیده و تحریم‌ها، مدیریت آگاهانه تهدیدها و فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی پیش‌رو از جمله مقابله با سختی‌های معیشتی مردم و مهار تورم، ارتقای سرمایه اجتماعی کلان و کاهش نارضایتی‌های عمومی، بازسازی مناطق مسکونی و زیرساخت‌های آسیب‌دیده صنعتی و نظامی، آمادگی برای تحکیم‌های لازم برای حضور سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی در دوره پساجنگ است». او در بخش پایانی این بیانیه آورده است: «با حفظ همبستگی و انسجام و وحدت ملی در همه سطوح حاکمیتی و سیاسی و مدنی و بالا بردن عزم ملی در پاسخگویی به انتظارات به حق مردم و رفع تبعیض و کاهش فقر و توسعه‌یافتگی و تغییر رویکردها و رویه‌های محدودکننده و بحران‌زا همه با هم به یاری ایران، ملت و نظام بشتابیم. گرامی باد یاد همه شهدای سرافراز وطن».

حملات هدفمند به قالیباف

تشدید انتقادات تندروها به رئیس مجلس همزمان با نهایی شدن توافق

قالیباف و نقش میانجی قدرت

در مقابل این فضای قطبی‌ساز، نقش قالیباف به‌عنوان رئیس مجلس اهمیت مضاعف پیدا می‌کند. او در موقعیتی ایستاده که باید میان سه سطح متفاوت از قدرت یعنی دولت، شورای عالی امنیت ملی و تیم دیپلماسی هماهنگی ایجاد کند. این موقعیت ذاتاً نیازمند رفتار میانجیگرانه و پرهیز از افتادن در دام قطبی‌سازی است. حمایت او از تیم مذاکره‌کننده به ریاست عباس عراقچی نیز در همین چارچوب قابل فهم است: حمایت از یک فرآیند، نه یک فرد یا یک نتیجه قطعی.

تیم مذاکره‌کننده هم دقیقاً در همین میدان پیچیده عمل می‌کند؛ جایی که هر واژه در متن مذاکرات می‌تواند، پیامد حقوقی و سیاسی داشته باشد. برخلاف تصویرسازی‌های رسانه‌ای تندروها، این تیم نه در خلا تصمیم می‌گیرد و نه خارج از چارچوب‌های کلان نظام بلکه در یک شبکه پیچیده از نظرات و هماهنگی حرکت می‌کند که در آن، تصمیم نهایی محصول تعامل سطوح مختلف حاکمیت است نه اراده فردی.

اما یکی از محورهای اصلی حمله جریان پایداری، القای این گزاره است که «همه چیز به رهبری منتسب می‌شود» تا مسئولیت از دوش دیگران برداشته شود. این روایت اگرچه ظاهراً در لباس دفاع از رهبری بیان می‌شود اما در عمل کارکردی معکوس دارد؛ تخریب تفکیک دقیق میان سطوح راهبردی و اجرایی. درحالی که در ساختار تصمیم‌سازی کشور تفاوت روشن میان تعیین خطوط کلان و اجرای مذاکرات وجود دارد، رسانه‌هایی مانند رجانیوز تلاش می‌کنند این مرز را مخدوش کنند و همه چیز را در یک سطح مبهم و غیر قابل پاسخگویی قرار دهند.

این همان نقطه‌ای است که سیاست خارجی را از عقلانیت تهی می‌کند. چراکه اگر همه چیز یا کاملاً موفق یا کاملاً خیانت‌بار تصویر شود، دیگر هیچ فضای میانی برای اصلاح، چانه‌زنی یا بهینه‌سازی باقی نمی‌ماند. سیاست خارجی اما دقیقاً در همین منطقه خاکستری معنا پیدا می‌کند.

هزینه شکاف: از رسانه تا میز مذاکره

از سوی دیگر، تجربه تاریخی نیز نشان داده است که تضعیف تیم‌های مذاکره‌کننده در میانه مسیر معمولاً به تقویت موضع طرف مقابل منجر شده است. در پرونده‌های پیچیده‌ای مانند مذاکرات هسته‌ای، انسجام داخلی یک ابزار قدرت است. بنابراین هرگونه شکاف‌سازی رسانه‌ای، به‌ویژه زمانی که از درون ساختار سیاسی کشور تغذیه شود، عملاً هزینه چانه‌زنی را افزایش می‌دهد.

در این میان، رفتار رسانه‌ای رجانیوز و هم‌راستاهای آن، بازتولید بی‌اعتمادی نهادی است. از دستکاری نامه‌های دیپلماتیک گرفته تا قطع سخنان و برجسته‌سازی گزینشی اظهارات نمایندگان تندرو همگی در یک مسیر حرکت می‌کنند و تلاش دارند، سیاست خارجی را از یک فرآیند پیچیده تصمیم‌سازی به یک میدان دوگانه «با ما / بر ضد ما» تبدیل کنند.



عاطفه شمس

گروه سیاسی

در سیاست ایران، همیشه لحظه‌هایی وجود دارد که اختلاف‌نظر از سطح برداشت متفاوت عبور می‌کند و به جنگ روایت‌ها تبدیل می‌شود؛ جایی که دیگر مسئله بر سر متن یک توافق یا یک نامه نیست، بر سر این است که چه کسی حق دارد، واقعیت را تعریف کند. ماجرای این روزهای حمله جبهه پایداری به محمدباقر قالیباف و تیم مذاکره‌کننده دقیقاً در همین نقطه ایستاده است. تقابل میان یک منطق نهادی مسئولیت‌پذیر با یک منطق رسانه‌ای بحران‌ساز که در آن حذف واقعیت جایگزین تحلیل شده است.

مهندسی آگاهانه ادراک توسط رجانیوز

در مرکز این جدال، رفتاری قرار دارد که بیش از هر چیز از منظر سیاسی قابل خوانش است. تلاش برای بازنویسی واقعیت. نمونه روشن آن هم اقدام سایت رجانیوز در انتشار نسخه‌ای دستکاری شده از نامه روز گذشته شیخ نعیم قاسم، دبیرکل حزب‌الله لبنان، خطاب به محمدباقر قالیباف است. در این نسخه، هم بخش ابتدایی نامه که حاوی قدرانی صریح و لحن حمایتی نسبت به قالیباف بود، حذف شد و هم حتی مخاطب اصلی نامه از متن کنار گذاشته شد تا پیام از یک نامه معنادار سیاسی به یک متن بی‌هویت و عمومی تقلیل یابد. این سطح از حذف گزینشی، دیگر در چارچوب خطای رسانه‌ای قابل توضیح نیست؛ اینجا با مهندسی آگاهانه ادراک مواجهیم.

اما این تنها یک نشانه است نه کل ماجرا. آنچه امروز در جریان است، پروژه‌ای گسترده‌تر است برای بی‌اعتبارسازی هر سازوکار تصمیم‌سازی رسمی در کشور، از مجلس تا تیم دیپلماسی. در این پروژه، قالیباف نماد یک رویکرد است، رویکردی که تلاش می‌کند میان فشارهای سیاسی داخلی، الزامات امنیت ملی و واقعیت‌های سخت سیاست خارجی تعادل برقرار کند. به همین دلیل است که حمله به او، فراتر از اختلاف شخصی در عمل حمله به منطق مدیریت نهادی سیاست خارجی محسوب می‌شود.

در همین چارچوب حملات چهره‌هایی چون محمود نبویان، امیرحسین ثابتی، حمید رسایی و دیگر نمایندگان همسو با جریان پایداری از یک الگوی تکراری تبعیت می‌کنند که هر نوع مذاکره را به تهدید و هر نوع توافق را پیشاپیش به شکست تعبیر می‌کنند. در این روایت، تفاوتی میان تحلیل متن و قضاوت سیاسی وجود ندارد؛ همه چیز از پیش تعیین شده است. توافق اگر امضا شود، «ترکمانچای» است؛ اگر نشود «پیروزی مقاومت» تعبیر می‌شود. چنین چارچوبی اساساً امکان گفت‌وگوی کارشناسی را حذف می‌کند.

دولت

رسانه اقلیت علیه اکثریت

عارف با انتقاد از رویکرد صدواوسیمیا درباره اینترنت گفت: ۸۹ درصد مردم مخالف قطع اینترنت هستند

کرد و گفت: نمی‌توان برای عموم مردم محدودیت ایجاد کرد اما همزمان برخی افراد یا مجموعه‌ها از دسترسی‌های ویژه برخوردار باشند. او با اشاره به «اینترنت سفید» افزود: اگر اینترنت بین‌الملل بد است چرا برخی از مخالفان آن، خودشان از این دسترسی استفاده می‌کنند؟ او در ادامه با تأکید بر اهمیت اینترنت برای توسعه فناوری و هوش مصنوعی گفت، دستیابی به جایگاه‌های برتر جهانی در حوزه هوش مصنوعی بدون دسترسی مناسب به اینترنت امکان‌پذیر نیست و برای رسیدن به اهداف تعیین‌شده، اینترنت باکیفیت و پرسرعت یک ضرورت محسوب می‌شود. او همچنین ضمن انتقاد از کمبود بودجه این حوزه از عزم دولت برای توسعه فناوری‌های نوین خبر داد.

معاون اول رئیس‌جمهور در پاسخ به احتمال مخالفت با تصمیمات ستاد ویژه راهبری و ساماندهی فضای مجازی نیز گفت: شنیدن نقدها و اعتراض‌ها را وظیفه خود می‌دانیم اما در نهایت تصمیم‌گیری بر مبنای منافع کشور و مردم خواهد بود. او همچنین تأکید کرد که در صورت لزوم درباره تفاوت دسترسی برخی افراد به اینترنت با عموم مردم، صریح‌تر سخن خواهد گفت.

محدودسازی اینترنت هستند اما در برنامه‌های این رسانه کمتر فرصتی برای طرح دیدگاه‌های مخالف قطع اینترنت فراهم می‌شود. معاون اول رئیس‌جمهور با انتقاد از انتخاب کارشناسان برخی برنامه‌های تلویزیونی گفت: فردی که دو واحد کامپیوتر پاس نکرده را به‌عنوان کارشناس اینترنت به تلویزیون می‌آورند تا علیه اینترنت صحبت کند؛ با چه حقی و با چه هدفی؟ چرا از موافقان اتصال به اینترنت بین‌الملل، متخصصان این حوزه، مسئولان وزارت ارتباطات و صاحب‌نظران فنی برای حضور در برنامه‌های صدواوسیمیا دعوت نمی‌شود؟

عارف همچنین به برخورد دوگانه در موضوع اینترنت اشاره



گروه سیاسی: در شرایطی که پس از جنگ اخیر، وصل مجدد اینترنت بین‌الملل تا حدی از نگرانی‌های عمومی کاسته و همچنان موضوع دسترسی آزاد به اینترنت و اینترنت طبقاتی محل مناقشه است، محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور، در ادامه انتقادهای مسعود پزشکیان از عملکرد صدواوسیمیا طی روزهای اخیر به رویکرد این رسانه در موضوع اینترنت بین‌الملل واکنش نشان داد و گفت درحالی که طبق نظرسنجی‌ها ۸۹ درصد مردم مخالف قطع اینترنت بین‌الملل هستند، تلویزیون عمدتاً تریبون را در اختیار حامیان محدودسازی اینترنت قرار می‌دهد. او همچنین با کنایه به برخی مهمانان برنامه‌های رسانه ملی گفت، افرادی که حتی دو واحد کامپیوتر پاس نکرده‌اند به‌عنوان کارشناس اینترنت در تلویزیون حضور پیدا می‌کنند.

عارف در جلسه ستاد ویژه راهبری و ساماندهی فضای مجازی با اشاره به نتایج نظرسنجی‌ها تأکید کرد که تنها ۱۱ درصد مردم از قطع اینترنت بین‌الملل حمایت می‌کنند و نمی‌توان نظر اقلیت را به اکثریت جامعه تحمیل کرد. به گفته او حتی در نظرسنجی‌های خود صدواوسیمیا نیز ۶۳ درصد مردم مخالف

ادامه سرمقاله

هنر دوران پساجنگ

امنیت پایدار تنها در قدرت نظامی خلاصه نمی‌شود. تجربه سال‌های اخیر نشان داده که مهم‌ترین پشتوانه امنیت ملی، اعتماد عمومی، همبستگی اجتماعی و احساس تعلق همه ایرانیان به سرنوشت مشترک کشور است. هر اندازه مشارکت ملی گسترده‌تر شود و فرصت حضور همه سلاطین و ظرفیت‌های کشور در مسیر توسعه فراهم آید، توان ایران برای عبور از بحران‌های آینده نیز افزایش خواهد یافت. امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند آن هستیم که پروژه «ایران قوی» را به پروژه‌ای فراگیر برای همه ایرانیان تبدیل کنیم. این هدف با جذب و مشارکت محقق می‌شود. همان‌گونه که در روزهای سخت جنگ، همه ایرانیان فارغ از اختلاف‌نظرهای سیاسی در کنار کشور ایستادند، در دوران صلح نیز باید زمینه حضور و نقش‌آفرینی همه ظرفیت‌های ملی فراهم شود. اگر توافق پیش‌رو با تدبیر، واقع‌بینی و اجماع ملی همراه شود، می‌تواند آغاز یک دوره تازه از ثبات، توسعه و بازسازی قدرت ملی ایران باشد. اکنون زمان آن است که دستاوردهای میدان، پشتوانه دیپلماسی شوند و دیپلماسی نیز راه را برای رفاه، پیشرفت و امید بگشاید. فردای ایران را نحوه بهره‌گیری ما از فرصت توافق تعیین خواهد کرد.

غروب جی هفت؟

گردهمایی سران کشورهای اروپایی و آمریکایی گروه هفت



گروه بین الملل: نشست پانجاه دوم گروه هفت در شهر اوپان-له-بن فرانسه تصویری روشن از تحول جایگاه ایالات متحده در نظام اتحادی غربی ارائه می‌دهد. تصمیم امانوئل مکرون برای تغییر برنامه زمانی اجلاس به منظور هماهنگی با هشتادمین سالروز تولد دونالد ترامپ صرفاً یک اقدام تشریفاتی نبود؛ بلکه نمادی از تلاش رهبران اروپایی برای حفظ تعامل و همراهی واشنگتن در شرایطی است که آمریکا پیش از گذشته رویکردی مستقل و معامله‌محور در سیاست خارجی خود در پیش گرفته است. در واقع کاخ سفید دیگر گروه هفت را به عنوان یک نهاد تصمیم‌ساز جمعی نمی‌بیند بلکه آن را بستری برای پیشبرد توافقات و منافع دوجانبه تلقی می‌کند.

مهم‌ترین رویداد روزهای نخست اجلاس، اعلام ناگهانی یادداشت تفاهم مشترک میان ایران و آمریکا بود؛ توافقی که با هدف بازگشایی نسبی تنگه هرمز و تثبیت آتش‌بس حاصل شده است. ترامپ با این اقدام، دستور کار از پیش تعیین شده اجلاس را به حاشیه راند و توجه رهبران جهان را به پرونده ایران معطوف کرد. به این ترتیب محور اختلافات از احتمال گسترش جنگ به چگونگی مدیریت صلح و ثبات پس از آن تغییر یافت. در همین چارچوب، واشنگتن از متحدان اروپایی خود، به ویژه فرانسه و

دیپلماسی

موضوعی که بیانگر تغییر تدریجی موازنه‌های دیپلماتیک در سطح بین‌المللی است.

شاید مهم‌ترین پیام اجلاس اوپان را بتوان در کنار گذاشتن بیانیه مشترک جامع و جایگزینی آن با یک جمع‌بندی محدود از سوی رئیس نشست مشاهده کرد. این تصمیم نشان می‌دهد که دوران اجماع‌های گسترده و مواضع واحد در میان قدرت‌های غربی تا حد زیادی به پایان رسیده است. گروه هفت همچنان قادر است، بزرگ‌ترین اقتصادهای دموکراتیک جهان را دور یک میز جمع کند اما دیگر مانند گذشته به عنوان یک بلوک منسجم و هماهنگ عمل نمی‌کند. در نظم جدید جهانی، کشورها بیش از هر زمان دیگری بر توافقاتی موردی، منافع ملی و ائتلاف‌های انعطاف‌پذیر تکیه دارند؛ واقعیتی که اجلاس ۲۰۲۶ گروه هفت به خوبی آن را به نمایش گذاشت.

خاورمیانه

پیام دبیرکل حزب الله به قالیباف

از ایران وفادار، سپاسگزاریم

شیخ نعیم قاسم، دبیرکل حزب الله لبنان در پیامی خطاب به محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی ایران گفت: کلمات از بیان قدردانی عمیق ما از موضع قوی و حمایتی شما از لبنان، مردم و مقاومت آن، که رژیم اشغالگر را در رابطه با پایان دادن به جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران، به عنوان بند اول و اساسی توافق بین ایران و آمریکا، مجبور به توقف فوری و دائمی عملیات نظامی در تمام جبهه‌ها، از جمله لبنان کرد، قاصرند.

وی اظهار کرد: ایران به ما حق انتخاب، قدرت برای آزادسازی سرزمین‌مان، ایتام زخم‌های جامع‌مان و کمک به آن را داده است. اکنون ایران در حال فداکاری است و با بمباران رژیم صهیونیستی به تلافی بمباران ضاحیه جنوبی بیروت با این رژیم مقابله می‌کند و عواقب آن را که تهدید به جنگ می‌کند به همراه فداکاری‌های عظیم، متحمل می‌شود. من با صدای بلند و واضح می‌گویم: ایران نماد غرور و افتخار است. از طرف حزب‌الله و مقاومت اسلامی آن. از طرف مردم لبنان که مایلند مراتب قدردانی خود را به شما ابراز کنند، از طرف شهدا و در رأس آنها سیدشهبان امت، سیدحسن نصرالله (رضوان‌الله علیه) و مجروحان و اسیران، از شما به عنوان مذاکره‌کننده ارشد به همراه تیم مستقیم شما، از جمله دکتر عباس عراقچی، وزیر امور خارجه، تشکر می‌کنم.

شیخ نعیم قاسم افزود: از شما می‌خواهم که مراتب تشکر و قدردانی ما را به رهبر، آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای (دامت برکاته) که ما را غرق در توجه خود کرده و نعمت‌ها و عنایت امام خامنه‌ای شهید (دامت برکاته) را در ما زنده کرده است و به رئیس‌جمهور، دکتر پزشکیان، حامی مقاومت و به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، این نیروی نورانی که با قدرت خود معادله را تغییر داده است و به ارتش، نخبگان و همه نهادهای رسمی و مردمی ابلاغ کنید. به ویژه از مردم بزرگ ایران یاد می‌کنم. ما آنها را در میدان شهرهای ایران دیدیم و درخواست‌های آنها برای فداکاری جان خود برای نجات مقاومت و مردمش را شنیدیم. متشکریم. متشکریم از ایران وفادار. سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما باد.



حکمرانی دیجیتال مربوط می‌شود. واشنگتن از فرصت اجلاس برای ترویج فناوری‌های هوش مصنوعی آمریکایی استفاده می‌کند، در حالی که اروپا همچنان بر تدوین مقررات سختگیرانه‌تر برای فضای مجازی، حفاظت از داده‌ها و محدودسازی دسترسی نوجوانان به شبکه‌های اجتماعی تأکید دارد.

در حاشیه اجلاس نیز مجموعه‌ای از رهبران غیرعضو گروه هفت حضور یافته‌اند که این نشست را به یک مرکز گسترده دیپلماسی جهانی تبدیل کرده است. ترامپ در این چارچوب دیدارهای دوجانبه متعددی با رهبران هند، قطر، مصر و امارات متحده عربی برگزار کرد تا علاوه بر بررسی بحران غزه درباره امنیت زنجیره‌های تأمین مواد معدنی راهبردی و همکاری‌های اقتصادی جدید گفت‌وگو کند. نکته قابل توجه آن است که بسیاری از این مذاکرات خارج از سازوکارهای سنتی اروپایی انجام می‌شود؛

بازسازی ظرفیت‌های آسیب‌دیده و احیای کامل زنجیره تولید و صادرات نفت و گاز به زمان نیاز دارد و آثار جنگ به سرعت از بین نخواهد رفت.

اما مهم‌ترین پرسش این است که آیا توافق کنونی می‌تواند به صلحی پایدار منجر شود؟ پاسخ این سوال تا حد زیادی به سه پرونده اصلی وابسته است؛ پرونده‌هایی که هنوز حل نشده‌اند و به مذاکرات آینده موکول شده‌اند.

نخستین پرونده، تنگه هرمز و امنیت دریایی منطقه است. هرچند بازگشایی مسیرهای کشتیرانی آغاز شده اما همچنان درباره نحوه مدیریت تردد کشتی‌ها، سازوکارهای امنیتی، هزینه‌های خدمات دریایی و حدود اختیارات طرف‌های مختلف ابهام‌هایی وجود دارد. از آنجا که تنگه هرمز شاهراه حیاتی انتقال انرژی جهان محسوب می‌شود هرگونه اختلاف در این زمینه می‌تواند بار دیگر تنش‌ها را احیا کند.

دومین پرونده، موضوع تحریم‌های اقتصادی است. ایران انتظار دارد پس از پایان جنگ، دسترسی به دارایی‌های مسدود شده و رفع محدودیت‌های مالی با سرعت بیشتری انجام شود. در مقابل، آمریکا تلاش می‌کند هرگونه کاهش فشار اقتصادی را به اجرای تعهدات بعدی ایران و روند مذاکرات آینده گره بزند. همین اختلاف می‌تواند به یکی از مهم‌ترین میدان‌های چانه‌زنی در ماه‌های آینده تبدیل شود.

سومین و شاید پیچیده‌ترین پرونده موضوع هسته‌ای است. اگرچه در طرف در چارچوب تفاهم فعلی بر اصولی کلی توافق کرده‌اند اما هنوز درباره جزئیات نظارت‌ها، سطح غنی‌سازی، سرنوشت ذخایر موجود و نحوه راستی‌آزمایی توافق‌نامه‌ها، اختلافات جدی وجود دارد. اظهارات جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، مبنی بر اینکه تفاهم‌نامه امضا شده «سندی بسیار کلی»

است خود مؤید این واقعیت است که مذاکرات اصلی هنوز آغاز نشده است. بر این اساس توافق کنونی را باید نه پایان یک منازعه تاریخی بلکه آغاز مرحله‌ای جدید از رقابت و مذاکره دانست. تهران و واشنگتن نتوانسته‌اند، جنگ را متوقف کنند اما هنوز نتوانسته‌اند، اختلافات بنیادین خود را حل کنند. به همین دلیل، آینده این تفاهم بیش از هر چیز به اراده سیاسی دو طرف برای عبور از بحران‌های باقی‌مانده وابسته خواهد بود.

در واقع، آتش‌بس امروز اگرچه از شدت بحران کاسته و فضای تنفس تازه‌ای برای منطقه ایجاد کرده است اما هنوز تا تبدیل شدن به یک صلح پایدار فاصله زیادی دارد. روز جمعه و امضای رسمی توافق می‌تواند، نقطه آغاز این مسیر باشد. نقطه‌ای که جهت‌دهی روابط تهران-واشنگتن را بازتاب می‌دهد؛ بازگشت به تنش‌های قبلی، یا مدیریت آن و مصالحه که لازمه آن رسیدگی به اختلافات عمیق است.

رفع محاصره دریایی

آمریکا اولین گام توافق را برداشت و تردد کشتی‌های ایرانی آغاز شد همزمان بازگشایی تدریجی تنگه هرمز نیز صورت گرفت



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

بازگشایی تدریجی تنگه هرمز، سقوط قیمت نفت و اعتراف واشنگتن به ناکامی در تحقق اهداف اولیه جنگ؛ آتش‌بس کنونی بیش از آنکه صلحی پایدار باشد، نقشه راهی برای مذاکراتی پیچیده در آینده است.

اعلام رسمی پایان جنگ میان ایران و ایالات متحده، مهم‌ترین تحول ژئوپلیتیکی ماه‌های اخیر به‌شمار می‌رود؛ رخدادی که نه تنها معادلات امنیتی منطقه را دگرگون کرده بلکه آثار آن به سرعت در بازارهای جهانی انرژی، تجارت دریایی

و محاسبات سیاسی قدرت‌های بزرگ نمایان شده است. با این حال آنچه اکنون میان تهران و واشنگتن شکل گرفته بیش از آنکه یک توافق جامع و نهایی باشد، چارچوبی برای مدیریت بحران و ورود به مرحله‌ای جدید از مذاکره است؛ مرحله‌ای که موفقیت یا شکست آن می‌تواند، آینده روابط دو کشور و حتی ثبات خاورمیانه را رقم بزند.

نشانه‌های عملی اجرای تفاهم از همان ساعات نخست پس از اعلام خاتمه جنگ آشکار شد. رفع تدریجی محدودیت‌های دریایی و آغاز تردد کشتی‌ها در مسیرهای منتهی به خلیج فارس از مهم‌ترین

پیامدهای فوری این توافق بود. حرکت نفتکش‌های ایرانی در شمال اقیانوس هند و ورود کشتی‌های حامل کالاهای اساسی به بنادر جنوبی کشور نشان می‌دهد که دو طرف تلاش دارند، نخستین دستاورد ملموس توافق را در حوزه اقتصاد و تجارت به نمایش بگذارند. در همین حال دونالد ترامپ که برای شرکت در نشست سران گروه هفت به فرانسه سفر کرده است از امضای الکترونیکی توافق میان ایران و آمریکا خبر داد و اعلام کرد که تنگه هرمز به تدریج در حال بازگشایی است. تأکید او بر عدم دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای و وعده انتشار متن تفاهم‌نامه در روزهای آینده همچنین خوانند سطر به سطر آن، نشان می‌دهد که دولت آمریکا تلاش دارد این توافق را به عنوان یک موفقیت سیاسی و امنیتی معرفی کند. با این وجود، در لابه‌لای اظهارات ترامپ نکات مهمی وجود داشت که می‌تواند، تصویری متفاوت از نتایج جنگ ارائه دهد.

بریتانیا، خواست برای پاک‌سازی مسیرهای کشتیرانی و تضمین امنیت دریایی وارد عمل شوند؛ درخواستی که بازتاب‌دهنده یکی از ویژگی‌های اصلی سیاست خارجی دولت ترامپ است: اقدام یک‌جانبه در مرحله تصمیم‌گیری و اتکا به شرکا برای تأمین هزینه‌های اجرایی و تثبیت نتایج آن.

با وجود تردیدهایی که برخی رهبران اروپایی، از جمله فریدریش مرس، صدراعظم آلمان، درباره دوام و اثربخشی این رویکرد دارند، نشست اوپان در حوزه اقتصادی شاهد نوعی همگرایی کم‌سابقه بود. مکرون با تمرکز بر چالش‌های ناشی از پارانهای گسترده صادراتی چین و مازاد ظرفیت صنعتی این کشور، توانست زمینه‌ای مشترک میان نگرانی‌های اروپا و سیاست‌های تجاری سختگیرانه آمریکا ایجاد کند. از یک سو، دولت ترامپ بر محدود کردن نفوذ اقتصادی چین تأکید دارد و از سوی دیگر، کشورهای اروپایی نیز از هجوم محصولات ارزان‌قیمت چینی، به ویژه در حوزه خودروهایی برقی و فناوری‌های سبز، نگران هستند. همین مسئله باعث شد، پکن به مهم‌ترین نقطه اشتراک دیدگاه‌های دو سوی آتلانتیک تبدیل شود.

با این حال اختلافات ساختاری میان آمریکا و اروپا همچنان پابرجاست. یکی از مهم‌ترین این اختلافات به حوزه فناوری و

رئیس‌جمهور آمریکا اذعان کرد که تلاش‌ها برای دستیابی به ذخایر اورانیوم غنی شده ایران به نتیجه نرسیده و پروژه تغییر نظام سیاسی در ایران نیز ناکام مانده است. این اعتراضات در واقع نشان می‌دهد که واشنگتن نتوانسته به بخش مهمی از اهداف اولیه خود دست یابد.

از منظر راهبردی همین مسئله یکی از مهم‌ترین واقعیت‌های پساجنگ محسوب می‌شود. ایران اگرچه خسارات سنگینی در حوزه‌های زیرساختی، اقتصادی و نظامی متحمل شد اما در نهایت بدون پذیرش تسلیم یا عقب‌نشینی کامل از مواضع خود وارد فرآیند توافق شد. به همین دلیل بسیاری از تحلیلگران معتقدند، نتیجه نهایی جنگ را نمی‌توان پیروزی قاطع هیچ‌یک از طرفین دانست. آنچه رخ داده بیشتر نوعی موازنه فرسایشی



است که هر دو طرف را به سمت مذاکره سوق داده است. در تهران نیز مقامات ایرانی بر همین برداشت تأکید دارند. سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه، با اشاره به ماه‌ها مذاکره فشرده میان ایران و آمریکا اعلام کرد که مهم‌ترین دستاورد مرحله نخست، پایان فوری و دائمی جنگ در همه جبهه‌ها از جمله لبنان است. این موضع‌گیری نشان می‌دهد که از نگاه تهران، اولویت فعلی تثبیت آتش‌بس و جلوگیری از بازگشت تنش‌های نظامی است. بازتاب اقتصادی توافق نیز بسیار سریع بود. قیمت نفت در بازارهای جهانی پس از انتشار خبر تفاهم، روندی نزولی به خود گرفت و به پایین‌ترین سطح خود در سه ماه گذشته رسید. علت اصلی این کاهش، فروکش کردن نگرانی‌ها درباره اختلال در عرضه نفت خاورمیانه و احتمال بازگشت تدریجی صادرات منطقه به وضعیت عادی است. با این حال کارشناسان انرژی هشدار می‌دهند که

یاد

شاعر عاشقانه‌های گیلکی

محمد فارسی شاعر تأثیرگذار گیلانی درگذشت

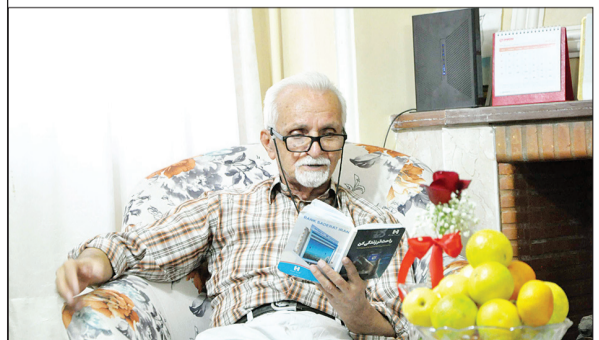


محمد فارسی، شاعر و ترانه‌سرای نام‌آشنا و تأثیرگذار شعر گیلکی، در ۸۷ سالگی بر اثر کلهوت سن و بیماری در رشت درگذشت. شاعری که با زبان ساده اما سرشار از عاطفه و تجربه زیست و در حافظه ادبی این سرزمین جایگاهی ماندگار یافت. او شعر را نه در فاصله‌ای رسمی و دور بلکه در متن زندگی مردم جست‌وجو می‌کرد. از این‌رو توانست بخشی از احساس جمعی مردم گیلان را در قالب واژه‌هایی نرم، صمیمی و گاه اندوهگین به تصویر بکشد؛ واژه‌هایی که میان زبان گیلکی و فارسی پل می‌زد و از دل فرهنگ بومی به افق‌های انسانی‌تر شعر نزدیک می‌شد. شعرش از دل مردم برمی‌خاست و به زبان عشق و درد سخن می‌گفت.

معلم نسل‌ها و پاس‌دار واژه‌ها

محمد فارسی، متولد سال ۱۳۱۸ در روستای شیجان از توابع خمم بود. فارسی جرقه شاعری خود را آشنایی با دختر همسایه‌شان دانسته بود. آشنایی که هم قریحه شاعری را در او بیدار کرد و هم همسرش را انتخاب کرد. فارسی پس از سال‌ها فعالیت در نظام آموزشی کشور و خدمت در آموزش و پرورش استان گیلان، در کسوت معلم بازنشسته شد و بخش قابل توجهی از عمرش را صرف تعلیم و تربیت نسل‌های مختلف کرد. محمد فارسی از آن نسل فرهنگ‌یابی بود که میان آموزش و فرهنگ، دیواری نمی‌دید. سال‌های طولانی معلمی، برای او تنها یک شغل نبود؛ امتداد همان رسالتی بود که بعدها در شعر و نقد ادبی نیز دنبال کرد. او هم به تربیت نسل‌ها پرداخت و هم به پاسداری از واژه‌هایی حامل هویت سرزمین مادری‌اش بودند. در روزگاری که بسیاری از زبان‌ها و گویش‌های محلی زیر فشار یکسان‌سازی فرهنگی قرار گرفته‌اند، محمد فارسی از جمله شاعرانی بود که زبان گیلکی را نه فقط ابزاری برای بیان احساسات بومی، بلکه ظرفی برای اندیشه، تجربه و آفرینش ادبی می‌دانست. این شاعر فقید در کنار فعالیت‌های آموزشی، حضوری مستمر و اثرگذار در حوزه ادبیات داشت و با سرودن اشعار به زبان‌های گیلکی و فارسی، نقش مهمی در حفظ و گسترش ادبیات بومی ایفا کرد. فارسی به‌عنوان یکی از نوگرایان و پیش‌گامان شعر جریان نوگرایی در شعر گیلکی به‌شمار می‌رفت؛ نسلی که کوشید ادبیات محلی را از تکرار قالب‌های کهنه برهاند و آن را با زبان و نگاه معاصر پیوند بزند. اهمیت کار محمد فارسی تنها در سرودن شعر نبود. او نشان داد می‌توان به ریشه‌ها وفادار ماند و در عین حال آفرینش تازه‌ای را جست‌وجو کرد. مجموعه شعر گیلکی «نسیم نرم آواز» که در سال ۱۳۷۵ منتشر شد، نمونه‌ای از همین تلاش‌ها برای آشتی دادن سنت و نوگرایی بود؛ تلاشی که بعدها در دیگر آثار و فعالیت‌های ادبی او، از جمله مجموعه سروده‌های گیلکی «مرا دوخواده عشق» و نیز نوشته‌های انتقادی‌اش ادامه یافت. محمد فارسی از آن دست شاعران نبود که تنها در میان صفحات کتاب‌هایش زندگی کنند. آثار و نام او در محافل ادبی، انجمن‌های شعر و میان دوست‌داران فرهنگ گیلان حضوری مداوم داشت. او نه‌فقط شاعر، بلکه ناظری دغدغه‌مند برای شعر و ادبیات بود و در عرصه نقد نیز فعالیت می‌کرد. شاعران بومی، حافظان بخشی از حافظه جمعی ما هستند. آنان فقط واژه‌ها را حفظ نمی‌کنند؛ بلکه شیوه زیستن، باورها، احساسات و روایت‌های یک سرزمین را نیز به نسل‌های بعد انتقال می‌دهند.

درگذشت این شاعر پیش‌کسوت، ضایعه‌ای برای جامعه ادبی کشور به‌ویژه اهالی فرهنگ و هنر استان گیلان محسوب می‌شود؛ چهره‌ای که با تعهد فرهنگی و نگاه هنرمندانه خود، سهمی ماندگار در اعتلای ادبیات بومی برجای گذاشت. امروز محمد فارسی دیگر در میان ما نیست، اما رد پای او در شعر گیلکی باقی خواهد ماند؛ در واژه‌هایی که با عشق به زبان مادری سروده شد، در شاگردانی که از او درس آموختند، در کتاب‌هایی که از او به یادگار ماند و در نسیمی که هنوز از میان سطرهای «نسیم نرم آواز» او می‌وزد و بانگ برمی‌آورد که «مرا دوخواده عشق».



ناگفته‌های موحد

رونمایی از کتاب آنچه نامد در کتاب و در خطاب

پریسا احدیان

خبرنگار فرهنگی

عصر دوشنبه ۲۵ خرداد، نهم و پنجاه و دومین شب از مجموعه شب‌های مجله «بخارا» با همراهی فرهنگ‌سرای نیاوران، صندوق اعتباری هنر و نشر ققنوس به شب کتاب «آنچه نامد در کتاب و در خطاب» اختصاص یافت. در این شب که در تالار خلیج‌فارس فرهنگ‌سرای نیاوران و با حضور دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی برگزار شد، محمدعلی موحد، مصطفی ملکیان، سیروس علی‌نژاد و علی دهباشی به سخنرانی پرداختند.

علی دهباشی در ابتدا ضمن خوشامدگویی به میهمانان این مجلس، درباره کتاب «آنچه نامد در کتاب و در خطاب» چنین گفت: «سیروس علی‌نژاد در این کتاب که توسط انتشارات ققنوس منتشر شده است، از ۳۰ سال آشنایی رفت‌وآمد با دکتر محمدعلی موحد سخن گفته است. در چند گفت‌وگو با دکتر موحد سیری داشته است در زندگی ایشان از دوران کودکی تا به‌اکنون. هم‌چنین در مقالات جداگانه به کتاب‌های ایشان در حوزه‌های چون ملی شدن صنعت نفت، مسائل حقوقی و مثنوی پژوهی پرداخته است».

ویرت‌نی به‌نام موحد

در ادامه مهران شیرواند، مدیر فرهنگ‌سرای نیاوران درباره فعالیت‌های این مجموعه نکاتی بیان داشت و پس از آن سیروس علی‌نژاد از فراز و نشیب تألیف کتاب

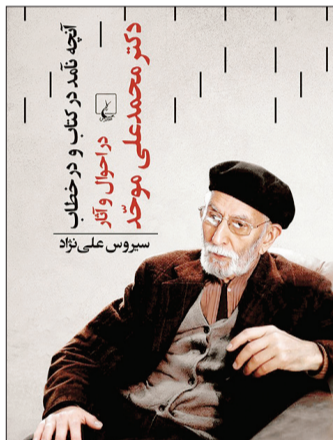
ادامه تیتیر یک

«آنچه نامد در کتاب و در خطاب» چنین گفت: «سال ۱۳۵۰ بود که نام دکتر موحد بر سر زبان‌ها افتاد. برای این‌که پاره‌هایی از مقالات شمس را دانشگاه آریا مهر چاپ کرده بود و این به منزله یک کشف بزرگ بود که نشان می‌داد، شمس تبریزی یک موجود واقعی است که در زمانه مولانا می‌زیست. پیش از آن شمس تبریزی موجودی موهوم بیش نبود. نام دکتر موحد را قبل‌ترها شنیده بودم، چون سفرنامه ابن‌بطوطه را خوانده و در سال ۱۳۷۲ سفرنامه ابن‌بطوطه دوباره مطرح شد. چون مجله نشنال جغرافی درباره‌اش ویژه‌نامه‌ای منتشر کرده بود و «نقد آگاه» هم مقاله مفصلی به قلم باقر پرهام درباره آن منتشر کرده بود. من هم در آن زمان فصل‌نامه «سفر» را سردبیری می‌کردم. بنابراین فرصت خوبی بود تا موضوع ابن‌بطوطه را مطرح کنم. بعد از آن سال‌ها بود که آشنایی من با دکتر موحد به‌واسطه صفر تقی‌زاده به دوستی بدل شد. شگفت‌انگیز آن‌که از آن پس هر دو سه سال یک‌بار نام دکتر موحد مانند نام ابن‌بطوطه در ویرت‌نی فرهنگ ایران ظاهر

شده است. گراف نیست بگویم که خودش به‌مثابه یک محقق برجسته ویرت‌نی شد. برای آنکه طولی نکشید که کتاب نامدار «خواب آشفته‌نفت» انتشار یافت، کتابی که تکلیف ما را با نفت این کشور روشن کرد. دکتر موحد معتقد است که در ایران همه چیز بوی نفت می‌دهد، چون صد سال است که ما به کمک نفت زندگی کرده‌ایم. همه می‌دانند که دکتر موحد عمر خود را در نفت سپری کرده است. بسیاری از اهل فرهنگ مثل صادق چوکی، ابراهیم گلستان و دیگران نیز عمر خود را در شرکت نفت گذاشته‌اند اما تنها دکتر موحد بود که اهمیت نفت را درک کرد. هنوز از «خواب آشفته‌نفت» بیدار نشده بودیم که کتاب «در هوای حق و عدالت» انتشار یافت و کتاب «فصوص‌الحکم» بار دیگر نام دکتر موحد را بر سر زبان‌ها انداخت. آثار دکتر موحد در ۳۰ سال اخیر سلسله‌سوار بودند. اثر بزرگ دیگر «در کشاکش دین و دولت» و «تصحیح مثنوی معنوی» بود. گراف نیست که بگویم او در ۷۰ سالگی متولد شده است. در تولد ۱۰۰ سالگی‌اش

وقتی خدمت‌شان رسیدیم، گفتند: من صد سال عمر کرده‌ام اما صد سال دیگر لازم دارم تا اندوخته‌هایم را روی کاغذ بیاورم. یعنی هنوز جانم می‌جوشد، اگر جسم یاری کند.

علی‌نژاد در ادامه افزود: «اما درباره کتاب خودم، این کتاب در یک کلام حاصل هم‌نشینی‌های من با دکتر موحد است. راهی که انتخاب کردم این بود که حرف‌های خود دکتر موحد را که در هم‌نشینی‌ها در خانه‌اش با من در میان گذاشته و در جایی منعکس شده و شاید فقط من آن‌ها را ثبت کرده باشم، به روی کاغذ بیاورم. مثل خاطراتی که در کتاب من آمده است و به گمانم یک جامعه‌شناسی عمیق زمان کودکی و جوانی اوست، ولی فراتر



۹۰ دقیقه تشویق

تشویق در سوفا

ورزشگاه سوفا همانطور که انتظار می‌رفت حاشیه‌های زیادی داشت اما یکی از تماشاگران ایرانی بعد از مسابقه نوشت: «جو استادیوم در کل حمایت از تیم ملی بود و ورزشگاه بعد از گل‌های ایران انگار منفجر شد». البته گزارش هواداران حاکی است که برخلاف ممنوعیت فیفا تعداد پرچم‌های شیر و خورشید در ورزشگاه نیز زیاد بوده است اما بخشی از کسانی که این پرچم را به ورزشگاه آورده بودند نیز در طول مسابقه تیم ملی را تشویق می‌کردند. با این وجود خبرها حاکی است که تیم ملی در این مسابقه زیاد از سوسو سکوها و صداهای مخالف آذیت نشد و بیشتر تحت تأثیر جو حمایتی موجود قرار داشت.

جذاب یا نگران‌کننده؟

در روزی که مصر توانست بلیک را که یکی از غول‌های این دوره محسوب می‌شد متوقف کند، تیم ملی ایران باید اولین دیدارشان را برابر نیوزلند برگزار می‌کرد. مسابقه‌ای در میان هیاهوی اتفاقات و حواشی سیاسی که از مدت‌ها قبل کلید خورده بود. تیم ملی ایران با شرایط سختی با به مسابقات گذاشت و هنوز هم در شرایطی خاص و عجیب مسابقات را ادامه می‌دهد و از این نظر، حرف‌های امیر قلعه‌نویی که در حضور اینفانتینو در پایان بازی بیان شد تا حدودی درست بود و شاید اگر او در دفعات قبل، بارها بارها از این کلمات استفاده نکرده بود، حتی می‌توانست تأثیر بیشتری هم روی مخاطب بگذارد. تیم ایران تدارکات و برنامه آماده‌سازی درست نداشته، هیچ بازی دوستانه‌ای با تیم مهمی برگزار نکرده و از طرفی به‌تازگی یک جنگ ۴۰ روزه سنگین را پشت‌سر گذاشته است. به همه اینها مشکلات بزرگ بنیادینی مانند عدم برنامه‌ریزی در فوتبال پایه و نبود ساختاری برای پرورش استعدادها و همچنین کمبودهای اساسی در زیرساخت مانند کمبود زمین مناسب را اگر اضافه کنیم، خواهیم دید که میزان توقع از این تیم ملی چقدر باید باشد. اگر این تیم ملی از نظر محبوبیت و کاریزما مانند تیم ۱۹۹۸ بود، شاید

همین نمایش لغزان برابر نیوزلند می‌توانست خوشحال‌کننده و باعث غرور باشد اما اینگونه نیست. با این حال، تیمی که یکی از ستاره‌هایش یعنی سردار آزمون را به‌خاطر مسائل نامشخص همراه نبرده، دو بار توانست بازی باخته را برگرداند. ایران یک برخورد با تیر دروازه هم داشت که حاصل حرکت و شوت زیبای مهدی طارمی بود. با این‌وجود، شاید این تهاجمی‌ترین بازی تیم ملی در ادوار مختلف جام جهانی بود و البته که منطقی بود در بازی برابر ضعیف‌ترین تیم گروه و ضعیف‌ترین تیم تورنمنت (در رنکینگ فیفا)، تیم ملی برای کسب سه امتیاز به میدان برود. نیوزلند از نظر مالکیت توپ، عملکرد بهتری از ایران داشت اما از نظر شانس گل، ایران با ایکس جی ۱/۵ نسبت به حریف برتر بود. ۳ شانس گل در برابر ۲ شانس گل نیز شرایط را در این بخش به سود تیم ملی نشان می‌دهد. در حالی که بازیکنان تیم ملی در این مسابقه ۱۷ بار به سمت چارچوب شلیک کردند که ۶ ضربه توسط دروازه‌بان حریف برگشت داده شد. هرچند تیم ایران با

توجه به شرایط بحرانی و خاص‌اش، نتیجه بدی مقابل نیوزلند نگرفت اما بعید است که این یک امتیاز بتواند پله مناسبی برای صعود به مرحله بعدی باشد. بازی تیم‌های مصر و بلژیک که با نتیجه ۱-۱ به پایان رسید، نشان داد تیم ایران دو حریف دشوار در بازی‌های آینده پیش‌رو خواهد داشت.

رامین متولد جام جهانی

بازی تیم ملی ایران برابر نیوزلند یک ستاره داشت و آن کسی جز رامین رضائیان نبود. او که در پایان کاپ بهترین بازیکن زمین را هم گرفت، در ۳۶ سالگی و در کم‌امیدترین سال فوتبالی‌اش، توانست نام خود را در تاریخ فوتبال ملی ایران ثبت کند. ۱۲۹۹ روز بعد از اینکه او در ورزشگاه احمد بن‌علی شهر دوحه، دروازه تیم ملی ولز را باز کرد تا ایران اولین بردش را در جام جهانی ۲۰۲۲ قطر جشن بگیرد، رامین در حالی که سه سال و ۶ ماه پیرتر شده بود، در برابر نیوزلند تولدی دوباره داشت.



یادداشت: سینمای جهان

یک کمدی برای ورود به جهان زنان

نگاهی به فیلم «لیدی فرست» ساخته تیا شارک

فیلم «لیدی فرست» به کارگردانی «تیا شارک» محصول ۲۰۲۶ یکی از آثار کمدی فانتزی-اجتماعی است که تلاش می‌کند با رویکردی



فرزانه متین

روزنامه‌نگار

متفاوت و طنزآمیز به مسئله تبعیض جنسیتی بپردازد. فیلم «لیدی فرست» براساس ایده و فیلم فرانسوی «من مرد آسانی نیستم» ساخته شده است.

این فیلم با استفاده از ایده‌های جذاب و نسبتاً آشنای جهانی را به تصویر می‌کشد که در آن نقش‌های سنتی زنان و مردان کاملاً وارونه شده‌اند. نتیجه این جابه‌جایی، موقعیت‌هایی طنز، گاه تلخ و در بسیاری از لحظات تأمل‌برانگیز است که مخاطب را به بازنگری در باورها و پیش‌فرض‌های خود درباره جنسیت و قدرت دعوت می‌کند. اگر جهان به دست زنان اداره می‌شد، با چه دنیایی سروکار داشتیم.

داستان فیلم حول محور مردی به نام دیمین شکل می‌گیرد که نگرشی زن‌ستیزانه دارد و زن‌سان را موجوداتی کم‌اهمیت‌تر از مردان می‌داند. او زندگی خود را بر پایه همین نگاه شکل داده و در محیط کار و روابط شخصی نیز رفتاری تحقیرآمیز نسبت به زنان دارد. اما همه چیز زمانی تغییر می‌کند که به شکلی غیرمنتظره در جهانی موازی بیدار می‌شود؛ جهانی که در آن زنان جایگاه برتر اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را در اختیار دارند و مردان با همان محدودیت‌ها و تبعیض‌هایی مواجه می‌شوند که زنان در دنیای واقعی تجربه کرده‌اند.

فیلم از حضور بازیگران شناخته‌شده‌ای چون ساشا بارون کوهن در نقش دیمین و رزمند پایک در نقش الکس بهره می‌برد. سبارون کوهن با تکیه بر توانایی خود در اجرای کمدی موقعیت، شخصیت اصلی داستان را به شکلی باورپذیر و سرگرم‌کننده به تصویر می‌کشد و رزمند پایک نیز با حضور مقتدرانه خود، یکی از مهم‌ترین نقش‌های مکمل فیلم را ایفا می‌کند. در کنار آنها، بازیگرانی همچون ریچارد ای. گرانت، چارلز دنس، فیونا شاو و کاترین هانت به غنای بازیگری اثر کمک کرده‌اند. سازندگان تلاش کرده‌اند بدون ارائه سخنرانی‌های مستقیم و شعارگونه، مخاطب را در موقعیتی قرار دهند که بتواند از زاویه‌ای متفاوت به مسئله نابرابری جنسیتی نگاه کند. زمانی که شخصیت اصلی با بی‌اعتنایی، قضاوت ظاهری، نادیده گرفته شدن در محیط کار و محدودیت‌های اجتماعی مواجه می‌شود، کم‌کم درک می‌کند که رفتارها و باورهای گذشته‌اش تا چه اندازه ناعادلانه بوده‌اند.

از نظر ساختار روایی، فیلم ریتمی نسبتاً سریع دارد و تلاش می‌کند مخاطب را درگیر موقعیت‌های تازه و متنوع نگه دارد. بسیاری از صحنه‌های کمدی بر پایه تضاد میان انتظارات شخصیت اصلی و واقعیت جدید پیرامون او شکل گرفته‌اند. همین تضادها باعث خلق لحظات سرگرم‌کننده‌ای می‌شوند که در کنار خنده، نوعی انتقاد اجتماعی را نیز منتقل می‌کنند. فیلم در بهترین لحظات خود موفق می‌شود میان طنز و پیام اجتماعی تعادل برقرار کند و بدون آنکه بیش از حد جدی شود، مخاطب را به فکر وادارد.

بازی بازیگران نیز از نقاط قوت اثر به‌شمار می‌رود. ساشا کوهن توانسته تحول تدریجی شخصیت را به شکلی باورپذیر به نمایش بگذارد. او در ابتدای فیلم فردی مغرور، خودخواه و بی‌اعتنا به مشکلات دیگران است، اما به مرور و با تجربه کردن تبعیض، نگرش او تغییر می‌کند. این تغییر شخصیتی اگرچه گاهی قابل پیش‌بینی است، اما به‌اندازه کافی قابل قبول و تأثیرگذار از کار درآمده است. با این حال، «لیدی فرست» از برخی ضعف‌ها نیز رنج می‌برد. مهم‌ترین ایراد فیلم به سطحی ماندن برخی شخصیت‌ها بازمی‌گردد. بسیاری از کاراکترهای فرعی تنها برای پیشبرد ایده اصلی داستان حضور دارند و فرصت چندانی برای پرداخت و عمق یافتن پیدا نمی‌کنند. یکی دیگر از مشکلات فیلم، گرایش آن به ساده‌سازی بیش از حد مسائل اجتماعی است. تبعیض جنسیتی موضوعی پیچیده و چندلایه است که ریشه‌های فرهنگی، تاریخی و اقتصادی متعددی دارد. اما فیلم برای حفظ لحن کمدی خود ناچار شده بسیاری از این پیچیدگی‌ها را کنار بگذارد و موضوع را در قالبی ساده و گاه اغراق‌آمیز ارائه کند. هرچند این انتخاب به روان‌تر شدن روایت کمک کرده، اما باعث شده برخی مخاطبان احساس کنند فیلم بیش از حد سطحی به موضوع نگاه می‌کند.

همچنین در بخش‌هایی از داستان، پیام اجتماعی فیلم بر روایت غلبه می‌کند. در چنین لحظاتی به‌نظر می‌رسد سازندگان بیش از آنکه به دنبال خلق یک داستان جذاب باشند، قصد دارند دیدگاه مشخصی را به مخاطب منتقل کنند. این مسئله گاهی از تأثیرگذاری دراماتیک اثر می‌کاهد و باعث می‌شود برخی صحنه‌ها حالت آموزشی یا شعاری پیدا کنند. در نهایت، «لیدی فرست» فیلمی است که بیش از هر چیز بر قدرت یک ایده جذاب تکیه دارد. این اثر شاید نتواند به تمامی ابعاد موضوع مورد بحث خود بپردازد، اما دست‌کم موفق می‌شود پرسش‌هایی مهم درباره تبعیض، قدرت و برابری در ذهن مخاطب ایجاد کند. فیلم با ترکیب طنز و نقد اجتماعی تلاش می‌کند آینه‌ای مقابل جامعه قرار داده و نشان دهد که بسیاری از رفتارهایی که عادی تلقی می‌شوند، در صورت تغییر زاویه دید تا چه اندازه ناعادلانه به‌نظر می‌رسند. به همین دلیل می‌توان «لیدی فرست» را اثری سرگرم‌کننده، قابل‌تأمل و ارزشمند برای علاقه‌مندان به کمدی‌های اجتماعی دانست؛ فیلمی که شاید همه پاسخی‌ها را نداشته باشد، اما به‌خوبی می‌تواند آغازگر یک گفت‌وگوی مهم باشد. سبک کاری تیا شارک معمولاً ترکیبی از طنز، احساسات انسانی و پرداخت روان شخصیت‌هاست؛ به همین دلیل انتخاب او برای کارگردانی یک کمدی اجتماعی با موضوع وارونگی نقش‌های جنسیتی، انتخابی قابل‌توجه به‌شمار می‌آید.



ما گرفتار نفقتمان

در پایان استاد محمدعلی موحد ضمن تشکر از سیروس علی‌نژاد و علی‌دهباشی اظهار کرد: «این کتاب حاصل دوستی من و آقای علی‌نژاد است. دوستی من و سیروس سابقه‌ای سسی‌چهل ساله دارد. در این مدت بسیار با هم نشستیم و از هر دو سخن گفته‌ایم. سیروس در این مجموعه کوشیده تا شرحی از پراکنده‌گویی‌های مرا که به پادش ماندن بهمم پیوند دهد. و گزارش کمابیش معناداری از تلفیق آن‌ها فراهم آورد. اهل قلم می‌دانند که سیروس از موفق‌ترین گزارش‌گران عصر خود است.»

دکتر محمدعلی موحد در پاسخ به سوال علی‌دهباشی که پرسید: استاد ما گرفتار نفقتمان را حل چیست؟ گفت: «بله ما گرفتار نفقتمان. آدم‌های آن طرف دنیا عاشق چشم و ابروی ایرانی‌ها و عرب‌های دور خلیج فارس نیستند. خلیج فارس شریان حیاتی است. تا برای نفت آلترناتیو پیدا نشود این گرفتاری با ما خواهد بود. این روزها حقیقت مطلب گفته نمی‌شود. گاهی دیگران از آن سوی دنیا می‌گویند آمده‌ایم دموکراسی در خطر را نجات دهیم! ولی در این حکومت فعلی آمریکا پرده برافکند و حاضر شدند بگویند که ما برای نفت این کارها را کرده‌ایم.»

دیگر بازی‌ها

در روز پنجم مسابقات علاوه بر بازی تیم ملی ایران که آخرین بازی این روز بود، سه بازی دیگر برگزار شد و همراه با شگفتی بود. بزرگ‌ترین شگفتی روز در نخستین بازی رقم خورد؛ جایی که قهرمان اروپا، اسپانیا، مقابل کیپورد به تساوی بدون گل رضایت داد. «ووژنیا» دروازه‌بان کیپورد، نقش اصلی را در این نتیجه تاریخی ایفا کرد و با بسته نگه داشتن دروازه تیمش، نخستین امتیاز تاریخ کشورش در اولین حضور در جام جهانی را به ارمان آورد. «ووژنیا» دروازه‌بان کیپورد روز را با حدود ۴۶ هزار دنبال‌کننده در اینستاگرام آغاز کرد، اما تا پایان روز تعداد دنبال‌کنندگانش به چندین میلیون نفر رسید. ابعاد موفقیت او زمانی بیشتر آشکار شد که تعداد دنبال‌کنندگان او از مرز پنج میلیون نفر عبور کرد. در نشست خبری پس از مسابقه، زمانی که مجریان تعداد جدید دنبال‌کنندگان او را -که آن زمان «فقط» دو میلیون نفر بود- به او نشان دادند، واکنش شگفت‌زده‌اش به یکی از صحنه‌های به‌یادماندنی روز تبدیل شد. به‌نظر می‌رسد قراردادهای تبلیغاتی به‌زودی به سراغ این قهرمان غیرمنتظره جام جهانی خواهند آمد. اما تلخ‌ترین بخش داستان او این بود که مادرش نتوانست شاهد این لحظه تاریخی باشد. ووژنیا پس از مسابقه فاش کرد که مادرش به دلیل هزینه‌های بالای دریافت ویزا نتوانسته به آمریکا سفر کند؛ اعترافی دردناک که یادآور این واقعیت است که جام جهانی ۲۰۲۶ برای همه به یک اندازه در دسترس نیست. این نتیجه شرایط گروه اچ را برای صعود عربستان سعودی و اروگوئه باز کرد، اما آن دو نیز در میامی به تساوی هم رفتند و این مصری‌ها بودند که با گل «امام عاشور» پیش افتادند. بلژیک برای جبران نتیجه به زحمت افتاد و در نهایت ورود «روملو لوکاکو» از روی نیمکت ورق را برگرداند. فشار او روی خط دفاع مصر باعث شد «محمد هانی» به اشتباه دروازه خودی را باز کند و بازی یک-یک شود.

می‌شود که حاصل مواجهه آن متفکر با جهانی است که او را احاطه کرده است. این جهان شامل جهان جغرافیایی، تاریخی، اجتماعی و جهان سیاسی می‌شود. این قسمت بیرونی یک متفکر است. گذشتگان به این بخش «سوانح ایام» فلان متفکر می‌گفتند. مرادشان چیزهایی بود که بر او در چند دهه عمرش گذشته است. قسمت دوم این است که خود متفکر به لحاظ شخصیت و منش چگونه بوده است. در قسمت «سوانح ایام» محیط متفکر را بررسی می‌کنیم. این که شخصی که در این محیط به‌سر می‌برده است، چه ویژگی‌های منشی، شخصیتی، باورها، احساسات، عواطف و هیجانانگیزی داشته است. اهداف او چه بوده و چه ارزش‌ها یا هنجارهایی بر او وارد بوده است و در واقع در محیطی که او را احاطه کرده بوده، چگونه خود را بروز داده است. این قسمت دوم بسیار مهم است. در قدیم قسمت دوم را به «احوال» تعبیر می‌کردند. قسمت سوم ترکیبی از درون و بیرون محیط و شخصیت و منش و آن آثاری است که از آن متفکر به یادگار می‌ماند. این مجموعه در گذشته به «آثار» تعبیر می‌شد. در واقع وقتی محیط یک شخص متفکر با خود آن متفکر وارد تعامل می‌شود نقطه اشتراک آثاری است که از او پدید می‌آید.»

شرایط سخت صعود

تیم ملی ایران بعد از کسب یک امتیاز برابر نیوزلند در اولین دیدارش در جام جهانی ۲۰۲۶. شرایط سختی برای صعود به مرحله بعدی دارد. بازی تیم‌های بلژیک و مصر دو هم‌گروهی دیگر تیم ملی نیز مساوی شد تا شرایط این گروه کمی پیچیده به‌نظر برسد. اما آنچه شرایط را برای صعود نگران‌کننده نشان می‌دهد، نمایش و نقطه ضعف‌های تیم در اولین دیدار بود. هر دو گل نیوزلند روی کار ترکیبی از عمق خط میانی و دفاع ایران ساخته شد و به‌شمار رسید. این موضوع نشان می‌دهد که تیم ملی برابر بلژیک و مصر که خط میانی و تهاجمی تکنیکی دارند، کار سختی خواهد داشت. بلژیک دومین حریف تیم ملی بازیکنان بزرگ و باکیفیتی در خط تهاجمی تیمش دارد که بازی شناس و ترکیبی همراه با پاس‌های کوتاه را به‌خوبی در عسق دفاع حریف اجرا می‌کنند و این می‌تواند همان نقطه

از تریز و حال و روز ایران است. چون آن‌چه دربارهٔ نفوذ مذهب و باورهای مذهبی و روابط و مناسبات و آیین‌های جاری گفته در تمام ایران جاری بوده است و هر که آن را بخواند، خواهد فهمید چرا جامعه ایران امروز در سال ۱۴۰۵ در جایی که هستیم قرار دارد. هر آینده‌ای در گذشته ریشه دارد. دکتر موحد در خاطراتش این ریشه‌ها را برای ما بیرون می‌کشد و عنوان می‌کند. دکتر موحد معتقد است کندوکاو در گذشته باید به درد امروزمان بخورد وگرنه به ما چه ربطی دارد.»

گزارشی از سیر آفاق و انفس موحد

در بخشی دیگری از این نشست، مصطفی ملکیان با نگاهی به ساحت مختلف نگارش شرح حال با توجه به کتاب حاضر گفت: «از قدیم‌الایام در فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف بشری وقتی شرح حال یک متفکر را می‌نوشتند، معمولاً سه ساحت را از یکدیگر جدا می‌کردند. در اثر بسیار خوب آقای علی‌نژاد هم شما هر سه بخش را می‌بینید. بخش اول جنبه بیرونی دارد، بخش دوم جنبه درونی و بخش سوم جنبه درونی-بیرونی. هر متفکری از ایام نخستین به دنیا آمدنش تا ترک دنیا در محیطی وارد و مشمول یک سلسله ارتباطات، نسبت‌ها و رخدادها

بگذارد به دقایق قبل از گل بازگردیم. بعد از شوت خطرناک نیوزلندی‌ها که بیرانوند مهارش کرد، طارمی توپ را از میانه زمین برداشت و به سمت دروازه نیوزلند رفت و یک ضربه دقیق و زیبا را از پشت هجده قدم زد اما توپ به تیر دروازه خورد. چند دقیقه بعد بازم طارمی در ضربه محمی را راه انداخت اما دروازه‌بان حریف در صحنه‌ای مشکوک توپ را دور کرد ولی ضربه سامان قدوس از میانه زمین به دروازه‌ای که خالی از دروازه‌بان بود، رسید. اما در دقیقه ۳۱ رامین کاری را که خودش شروع کرده بود، تمام کرد. یکی دو ارسال خطرناک، از راست و این‌بار او به‌جای ارسال به توپ زد و توپ را به قدوس رساند، سامان یک پاس تک‌ضرب به شهریار مغانلو داد اما او با وجود قدرت بدنی بالا نتوانست ضربه را بزند و توپی که دفاع دفع کرده بود، ناگهان جایی افتاد که رامین خودش را به آنجا رسانده بود. ضربه بیرون پای رضائیان بازی را مساوی و او را برترین بازیکن ایران در تاریخ جام‌های جهانی کرد. تیم ایران اما با وجود گل آفساید علی نعمتی در دقیقه ۴۵ بعد از گل مساوی رضائیان، بازی را به حریف داد. گل نیوزلند در ابتدای نیمه دوم بار دیگر تیم ملی را مجبور کرد که برای فرار از شکست با حرارت و جنگندگی بیشتری بازی کند و این‌بار رامین با ساتر زیبایی که تحسین گزارشگر بازی را به‌همراه داشت، محمی را تبدیل به گلزن بازی کرد و همچنین تیم ملی را از شکست نجات



دیدگاه: یادداشت اقتصادی

روز فشار عرضه

بازار سهام سه‌شنبه را چگونه پشت سر گذاشت؟

نسرین خدادادی
<div>گروه اقتصاد</div>
<div>صبح دیروز تالار شیشه‌ای در حالی معاملات خود را آغاز کرد که از همان دقایق ابتدایی نشانه‌های متفاوتی نسبت به روزهای گذشته دیده می‌شدد. پس از چند روز متوالی رشد پرشتاب و شکل‌گیری صف‌های خرید سنگین در بسیاری از نمادها، دیروز بخشی از معامله‌گران برای شناسایی سود وارد میدان شدند و عرضه‌ها افزایش یافت. با این حال هجوم نقدینگی و تداوم تقاضا اجازه نداد، روند صعودی بازار متوقف شود. نتیجه این کشمکش میان عرضه و تقاضا، ثبت یک رکورد تاریخی در ارزش معاملات و صعود شاخص کل به کانال ۵۰۱ میلیون واحدی بود؛ اتفاقی که سه‌شنبه را به یکی از مهم‌ترین روزهای تاریخ بورس تهران تبدیل کرد. در پایان معاملات، شاخص کل بورس تهران با رشد ۱۱۹ هزار و ۹۰۳ واحدی معادل ۲۰۴۱ درصد، در سطح ۵ میلیون و ۱۰۰ هزار و ۳۳۱ واحد ایستاد و برای نخستین بار وارد کانال ۵۰۱ میلیون واحدی شد. شاخص کل مه‌وزن نیز با افزایش ۱۵ هزار و ۲۰ واحدی معادل ۱۰۱۲ درصد به ارتفاع یک میلیون و ۳۵۱ هزار و ۹۸۵ واحد رسید تا نشان دهد، بخش قابل‌توجهی از نمادهای بازار همچنان در مسیر صعودی قرار دارند. اما مهم‌ترین اتفاق معاملات دیروز را باید رکوردشکنی ارزش معاملات خرد دانست؛ رکوردی که شاید تا مدت‌ها تکرار آن دشوار باشد. ارزش معاملات سهام، حق‌تقدم و صندوق‌های سهامی به رقم بی‌سابقه ۵۴ هزار و ۳۲۲ میلیارد تومان رسید؛ عددی که نهمین رکورد تاریخی بورس تهران را جابه‌جا کرد بلکه از ورود حجم قابل‌توجهی از نقدینگی به بازار حکایت دارد. حجم معاملات نیز به بیش از ۱۵۶۰۹ میلیارد برگه سهم رسید که نشان‌دهنده، گردش بالای پول در بازار سهام است. کارشناسان معتقدند، بخش مهمی از این جهش در ارزش معاملات به افزایش عرضه‌ها در نمادهایی بازمی‌گردد که طی روزهای گذشته در صف‌های خرید سنگین قفل شده بودند و دیروز فرصت معامله و جابه‌جایی سهام در آنها فراهم شد. یکی دیگر از رویدادهای مهم بازار سه‌شنبه، بازگشایی نماد هلدینگ صنایع پتروشیمی خلیج‌فارس بود. نماد «فارس» که در پی آثار غیرمستقیم جنگ برای مدتی متوقف شده بود، دیروز پس از بازگشایی با استقبال خریداران مواجه شد و معاملات خود را با رشد حدود ۱۰ درصدی آغاز کرد. اهمیت بازگشایی این نماد تنها به بازگشت یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های بورس محدود نمی‌شود. «فارس» به دلیل وزن بسیار بالایی که در شاخص کل دارد به تنهایی بیش از ۳۸ هزار واحد اثر مثبت بر نامگر اصلی بازار گذاشت و یکی از عوامل اصلی صعود شاخص کل در معاملات دیروز بود. در ماه‌های گذشته، بخشی از فعالان بازار نسبت به نحوه بازگشایی شرکت‌هایی که از جنگ آسیب غیرمستقیم دیده بودند، نگرانی‌هایی داشتند. با این حال فضای مثبت حاکم بر بورس و تداوم ورود نقدینگی باعث شد، سهامداران از بازگشایی این نماد استقبال کنند و نگرانی‌ها تا حد زیادی کاهش یابد. با وجود ثبت رکوردهای جدید، معاملات دیروز نسبت به روزهای شنبه، یک‌شنبه و دوشنبه با عرضه‌های بیشتری همراه بود. بسیاری از صف‌های خرید که در روزهای گذشته شکل گرفته بودند، جمع‌آوری شدند و بخشی از معامله‌گران اقدام به ذخیره سود کردند. همین موضوع موجب شد، تعادل بیشتری در جریان معاملات ایجاد شود و دامنه نوسان قیمت‌ها در تعداد بیشتری از نمادها به شکل طبیعی‌تری دنبال شود. آمارهای پایانی بازار نیز تصویری از همین وضعیت ارائه می‌دهد. در پایان معاملات ۴۵۱ نماد در محدوده مثبت و ۳۶۴ نماد در محدوده منفی قرار گرفتند. همچنین ۳۱۰ نماد با صف خرید و ۱۹۹ نماد با صف فروش به کار خود پایان دادند؛ آماري که نشان می‌دهد اگرچه عرضه‌ها افزایش یافته اما همچنان کفه تقاضا سنگین‌تر از عرضه است. تحلیلگران معتقدند، افزایش عرضه‌ها در شرایط فعلی لزوماً نشانه ضعف بازار نیست. بسیاری از سهم‌ها طی هفته‌های اخیر رشد قابل‌توجهی را تجربه کرده‌اند و طبیعی است که بخشی از سرمایه‌گذاران برای شناسایی سود اقدام به فروش کنند. از این منظر، متعادل شدن معاملات در برخی نمادها می‌تواند به پایداری روند صعودی بازار در ادامه مسیر کمک کند و از شکل‌گیری هیجانات بیش از حد جلوگیری کند. بررسی جریان نقدینگی نیز از تداوم اقبال سرمایه‌گذاران به بازار سهام حکایت دارد. در معاملات دیروز بیش از ۴۵۶ میلیارد تومان پول حقیقی وارد بازار سهام شد. در مقابل حدود ۳ هزار و ۹۹۱ میلیارد تومان سرمایه از صندوق‌های درآمد ثابت خارج شد که می‌تواند، نشانه‌ای از افزایش ریسک‌پذیری سرمایه‌گذاران و تمایل آنها به حضور در بازار سهام باشند. در پایان معاملات نیز بیش از ۲۰ هزار و ۱۲۵ میلیارد تومان سفارش خرید در سامانه معاملات باقی ماند، درحالی که ارزش سفارش‌های فروش حدود ۲ هزار و ۳۹۹ میلیارد تومان بود.</div>

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

امید به ژنو

چرا توافق اسلام‌آباد برای جامعه ایران مهم است؟

سعید خوش‌بین
<div>گروه اقتصاد</div>

تازه‌ترین آمارها نشان می‌دهد که شکاف تورمی میان فقرا و ثروتمندان عمیق‌تر و در چند استان محروم نیز تورم سررغمی شده است. انگار فشار افزایش قیمت‌ها در سال جاری بیش از گذشته بر دوش دهک‌های کهدرآمد، روستائیان و ساکنان برخی استان‌های محروم کشور قرار گرفته است. بررسی داده‌ها حاکی از آن است که نهم‌ها سطح عمومی تورم افزایش یافته بلکه نابرابری در توزیع بار تورمی نیز به شکل محسوسی تشدید شده است. در اردیبهشت سال گذشته فاصله تورم دهک اول و دهک دهم تنها حدود دو واحد درصد بود. در آن مقطع دهک اول جامعه تورم ۳۸٫۸ درصدی و دهک دهم تورم ۳۷٫۶ درصدی را تجربه می‌کرد. به بیان دیگر خانوارهای کهدرآمد اندکی بیشتر از خانوارهای پردرآمد تحت فشار تورم قرار داشتند. اما در اردیبهشت اسمال این شکاف به شکل قابل‌توجهی افزایش یافته است. تورم دهک اول به حدود ۹۵٫۱ درصد رسیده و فاصله آن با تورم دهک دهم به ۱۳٫۵ واحد درصد افزایش یافته است. این ارقام نشان می‌دهد که تورم نهم‌ها افزایش یافته بلکه اثر آن بر اقشار کهدرآمد به مراتب شدیدتر از دهک‌های بالای درآمدی بوده است. در مناطق روستایی نیز شرایط نگران‌کننده است. تورم روستایی که در اردیبهشت سال گذشته حدود ۴۰۳ درصد بود، در اردیبهشت اسمال از مرز صددرصد عبور کرده و به بیش از ۱۰۱ درصد رسیده است. این موضوع بیانگر آن است که خانوارهای روستایی با یکی از سنگین‌ترین موج‌های افزایش هزینه‌های زندگی در سال‌های اخیر مواجه شده‌اند. هم‌زمان تورم کالاها نیز جهش قابل‌توجهی را تجربه کرده است. درحالی که تورم کالاها در اردیبهشت سال گذشته حدود ۴۱٫۷ درصد بود و تفاوت چندانی با تورم خدمات نداشت این شاخص در سال‌جاری به حدود ۱۱۹٫۴ درصد رسیده است. چنین افزایشی به‌معنای فشار مستقیم بر هزینه‌های روزمره خانوارها به‌ویژه در بخش خوراکی‌ها و کالا‌های ضروری است. بررسی‌های استانی نیز از گسترش تورم‌های بسیار بالا در برخی مناطق کشور حکایت دارد. براساس آمارهای اردیبهشت چند استان کشور وارد محدوده تورم سررغمی شده‌اند. استان‌های کردستان، کرمانشاه، ایلام، لرستان و گلستان ازجمله مناطقی هستند که نرخ تورم آنها در بازه ۱۰۰ تا ۱۰۵ درصد قرار گرفته است. اقتصاددانان معتقدند، تداوم این روند می‌تواند علاوه بر پیامدهای اقتصادی، آثار اجتماعی مهمی نیز به همراه داشته باشد. به‌خصوص اینکه استان‌هایی که بالاترین نرخ‌های تورم را تجربه می‌کنند عمدتاً با نرخ‌های بالای بیکاری و محرومیت اقتصادی نیز مواجه هستند. به همین دلیل افزایش شکاف تورمی میان مناطق و طبقات مختلف جامعه می‌تواند به یکی از مهم‌ترین چالش‌های سیاستگذاری اقتصادی و اجتماعی کشور در ماه‌های آینده تبدیل شود. در چنین شرایطی است که اهمیت تفاهم اسلام‌آباد پیش از پیش آشکار می‌شود. اقتصاد ایران در سال‌های اخیر تحت‌تأثیر سه عامل هم‌زمان قرار داشته است: تحریم‌های گسترده، نااطمینانی‌های

دیدگاه: تحلیل اقتصادی

اثر اسلام‌آباد بر بازار نفت

آیا نگرانی‌ها رفع شده است؟

مهتا معرفت
<div>گروه اقتصاد</div>

بازار جهانی نفت در حالی روزهای اخیر را پشت سر می‌گذارد که فضای حاکم بر معاملات به‌سرعت از نگرانی نسبت به کمبود عرضه به نگرانی درباره مازاد عرضه و ضعف تقاضا تغییر کرده است. در هفته‌های گذشته، تنش‌های ژئوپلیتیکی در خاورمیانه و اختلال در مسیرهای صادراتی نفت، باعث جهش قیمت‌ها شده بود اما انتشار خبر دستیابی ایران و آمریکا به یک تفاهم اولیه برای پایان درگیری‌ها معادلات بازار را تغییر داد و موجی از فروش را در بازارهای انرژی به راه انداخت. معامله‌گران اکنون بیش از هر زمان دیگری بر احتمال بازگشایی کامل تنگه هرمز و بازگشت صادرات نفت کشورهای منطقه به شرایط عادی تمرکز کرده‌اند. این آبراه راهبردی که حدود یک‌پنجم نفت جهان از آن عبور می‌کند، در ماه‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده قیمت نفت تبدیل شده بود. با افزایش

سیاسی و ناترازی‌های عمیق داخلی، هر یک از این عوامل به‌تنهایی توانایی ایجاد تورم‌های بالا را دارند اما هم‌زمانی آنها موجب شده اقتصاد کشور وارد چرخه‌ای شود که در آن انتظارات تورمی به‌صورت مستمر بازتولید می‌شود. در چنین فضایی حتی زمانی که رشد نقدینگی کاهش می‌یابد یا سیاست‌های پولی انقباضی اعمال می‌شود، انتظارات منفی همچنان فشار خود را بر بازار ارز، قیمت کالاها و رفتار اقتصادی خانوارها حفظ می‌کند. تفاهم اسلام‌آباد می‌تواند حداقل یکی از این سه عامل را تا حدی تضعیف کند. یعنی نااطمینانی سیاسی و ریسک‌های ناشی از تنش‌های خارجی. تجربه اقتصاد ایران نشان می‌دهد که هر زمان چشم‌انداز روابط خارجی کشور بهبود یافته، انتظارات تورمی نیز تعدیل شده است. کاهش انتظارات تورمی به‌معنای آن است که مردم، بنگاه‌ها و سرمایه‌گذاران کمتر نگران جهش‌های آینده قیمت‌ها هستند و همین موضوع به کاهش فشار بر بازار ارز، طلا و سایر دارایی‌ها منجر می‌شود. البته نباید تصور کرد که صرف امضای یک توافق می‌تواند تورم را به‌سرعت کاهش دهد. اقتصاد ایران اکنون با تورم‌های انباشته، کسری بودجه مزمن، ناترازی انرژی، مشکلات نظام بانکی و کاهش سرمایه‌گذاری مواجه است. این مشکلات در طول سال‌ها شکل گرفته‌اند و طبیعتاً در مدت کوتاهی نیز برطرف نخواهند شد. اما تفاهم اسلام‌آباد می‌تواند شرایط لازم برای آغاز اصلاحات را فراهم کند. یکی از مهم‌ترین آثار احتمالی توافق، کاهش هزینه‌های مبادلات خارجی و بازگشت تدریجی ایران به شبکه‌های رسمی تجارت و مالی بین‌المللی است. هرچه دسترسی کشور به منابع ارزی، بازارهای صادراتی و سرمایه‌گذاری خارجی افزایش یابد، فشار بر بازار ارز کمتر خواهد شد. ثبات نسبی در بازار ارز نیز یکی از مهم‌ترین پیش‌شرط‌های کنترل تورم در اقتصاد ایران است. در عین حال توافق می‌تواند، فرصت مناسبی برای اصلاح روابط اقتصادی ایران با کشورهای منطقه فراهم کند. اقتصاد ایران برای عبور از بحران سرمایه‌گذاری و فرسودگی زیرساخت‌ها نیازمند جذب سرمایه، فناوری و توسعه همکاری‌های اقتصادی است.

بدون کاهش تنش‌های سیاسی، دستیابی به این اهداف بسیار دشوار خواهد بود. با این حال مهم‌ترین نکته آن است که توافق به تنهایی کافی نیست. اگر کاهش تنش‌های خارجی بسا اصلاحات اقتصادی و افزایش اعتماد عمومی همراه نشود، آثار مثبت آن محدود خواهد ماند. تجربه‌های گذشته نشان داده که گشایش در روابط خارجی زمانی به بهبود پایدار اقتصاد منجر می‌شود که هم‌زمان در داخل کشور نیز اجماع سیاسی برای حل مسائل اقتصادی شکل بگیرد. به‌همین دلیل، اهمیت اصلی تفاهم اسلام‌آباد را باید در فراهم کردن یک فرصت تاریخی جست‌وجو کرد؛ فرصتی برای شکستن چرخه بی‌ثباتی، کاهش انتظارات تورمی و آغاز اصلاحاتی که سال‌ها به تعویق افتاده‌اند. اگر این فرصت با تصمیم‌های دشوار اما ضروری در حوزه اقتصاد همراه شود، می‌تواند به‌تدریج تورم را از مسیر صعودی خارج کند. اما اگر این فرصت از دست برود، اقتصاد ایران همچنان با همان مشکلات ساختاری گذشته مواجه خواهد ماند و فشار تورمی، بیش از همه، بر دوش همان گروه‌هایی باقی خواهد ماند که امروز نیز بیشترین آسیب را تحمل می‌کنند؛ یعنی خانوارهای کهدرآمد، روستائیان و ساکنان مناطق

محروم کشور. اما حتی در خوش‌بینانه‌ترین سناریو و با فرض آنکه تفاهم اسلام‌آباد نهایی شود، تنش‌های خارجی کاهش یابد، سیاست‌گذاری اقتصادی بهبود پیدا کند و اصلاحات لازم در دستورکار قرار گیرد، یک پرسش مهم همچنان باقی می‌ماند: تورم موجود در اقتصاد ایران چه زمانی تخلیه خواهد شد؟

پاسخ اقتصاددانان این است که بسیار دیرتر از آنچه افکار عمومی انتظار دارد. یکی از بزرگ‌ترین خطاهای تحلیلی در دوره‌های پس از توافق‌های سیاسی، تصور کاهش فوری آثار تورم است. درحالی که تورم موجود در اقتصاد ایران محصول یک یا دو سال گذشته نیست بلکه نتیجه سال‌ها انباشت ناترازی‌های مالی، رشد نقدینگی، کسری بودجه، تحریم، نااطمینانی و افت سرمایه‌گذاری است. به همین دلیل حتی اگر از همین امروز تمام عوامل جدید تورم‌زا متوقف شوند، آثار تورم‌های گذشته همچنان برای ماه‌ها و حتی سال‌ها در اقتصاد باقی خواهد ماند. فرض کنیم پس از توافق، انتظارات تورمی به سرعت کاهش یابد، بازار ارز به ثبات برسد و حتی دولت بتواند، سیاست‌های مالی پولی منضبط‌تری را اجرا کند. در چنین شرایطی نیز تورم نقطه‌به‌نقطه بلافاصله کاهش پیدا نمی‌کند. دلیل آن ساده است: تورم امروز حاصل مقایسه قیمت‌های فعلی با قیمت‌های یک سال قبل است. بنابراین حتی اگر افزایش قیمت‌ها از همین لحظه متوقف شود، مدتی طول می‌کشد تا نرخ‌های بالایی گذشته از محاسبات آماری خارج شوند. به بیان دیگر، اقتصاد ایران اکنون مانند قطاری است که سال‌ها با سرعت بالا در مسیر تورمی حرکت کرده است. حتی اگر راننده ترمز را بکشد قطار فوراً متوقف نمی‌شود. فاصله قابل‌توجهی میان تصمیم سیاسی و مشاهده نتایج اقتصادی وجود دارد. از همین رو ممکن است در ماه‌های نخست پس از توافق، جامعه با یک پارادوکس مواجه شود. از یک‌سو فضای سیاسی آرام‌تر شده، تنش‌های خارجی کاهش یافته و امیدها افزایش پیدا کرده است اما از سوی دیگر مردم همچنان تورم‌های بالا را در زندگی روزمره خود احساس می‌کنند. این همان دوراهی است که می‌تواند برای سیاست‌گذاران بسیار حساس و تعیین‌کننده باشد.

در واقع مهم‌ترین دستاورد توافق در کوتاهمدت نه کاهش سریع تورم بلکه جلوگیری از ورود اقتصاد به مراحل خطرناک‌تر تورمی خواهد بود. نگرانی اصلی بسیاری از اقتصاددانان این است که اقتصاد ایران در آستانه ورود به مرحله‌ای قرار گیرد که تورم‌های بالا به‌سرعت به تورم‌های بسیار بالاتر تبدیل شوند. تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد، زمانی که تورم از سطوح مزمن عبور می‌کند، کنترل آن به‌مراتب دشوارتر و پرهزینه‌تر خواهد شد. اگر توافق پایدار بماند و سیاست‌های اقتصادی نیز در مسیر درستی قرار گیرند احتمالاً نخستین نشانه‌های بهبود در بازار ارز، انتظارات اقتصادی و سرمایه‌گذاری مشاهده خواهد شد. پس از آن با یک وقفه زمانی، تورم ماهانه کاهش پیدا می‌کند و در نهایت تورم سالانه نیز وارد مسیر نزولی می‌شود. اما این فرآیند در بهترین حالت نیز چند فصل زمان نیاز دارد و نه چند هفته. به همین دلیل مهم‌ترین آزمون پیش روی سیاست‌گذاران، مدیریت انتظارات جامعه خواهد بود. اگر مردم تصور کنند، توافق باید ظرف چند ماه همه مشکلات را حل کند، ناامیدی جدیدی شکل خواهد گرفت. اما اگر درک عمومی این باشد که توافق تنها نقطه آغاز یک مسیر دشوار اصلاحات است آنگاه امکان عبور از بحران بسیار بیشتر خواهد شد. درنهایت، تخلیه تورم در اقتصاد ایران بیش از آنکه یک رویداد باشد یک فرآیند است. فرآیندی که به ثبات سیاسی، تداوم اصلاحات اقتصادی، کاهش کسری بودجه، افزایش سرمایه‌گذاری و بازسازی اعتماد عمومی نیاز دارد. تفاهم اسلام‌آباد می‌تواند، آغاز این مسیر باشد اما پایان آن نخواهد بود. پایان مسیر زمانی فرا می‌رسد که خانوار ایرانی دوباره بتواند با اطمینان برای آینده خود برنامه‌ریزی کند. بدون آنکه هر روز نگران جهش جدید قیمت‌ها باشد.

توافق نهایی می‌تواند به بازگشت کامل نفت ایران به بازارهای جهانی و افزایش عرضه منجر شود. هم‌زمان با تحولات سیاسی، عامل دیگری نیز بر قیمت نفت فشار وارد می‌کند؛ نشانه‌های فزاینده ضعف تقاضا در اقتصاد جهانی. داده‌های منتشرشده از چین، به‌عنوان بزرگ‌ترین واردکننده نفت جهان، نشان می‌دهد که واردات نفت‌خام این کشور در ماه مه به پایین‌ترین سطح ۸ سال اخیر رسیده است. کاهش فعالیت‌های صنعتی، کند شدن رشد اقتصادی و افت مصرف سوخت در برخی بخش‌ها موجب شده، چشم‌انداز تقاضای جهانی نفت با تردیدهای جدی مواجه شود. همین عوامل باعث شده برخی مؤسسات مالی بزرگ نیز پیش‌بینی‌های خود از قیمت نفت را تعدیل کنند. گلدمن ساکس در تازه‌ترین برآورد خود، پیش‌بینی متوسط قیمت نفت برنت را کاهش داده و انتظار دارد، صادرات نفت کشورهای حوزه خلیج‌فارس سریع‌تر از برآوردهای قبلی به سطح پیش از جنگ بازگردد. این ارزیابی‌ها نشان می‌دهد بازار بیش از گذشته بر افزایش عرضه تمرکز کرده است. با این حال تحلیلگران معتقدند، ریسک نوسان همچنان از بازار نفت حذف نشده است. نبود جزئیات شفاف درباره توافق اولیه، شکستگی آتش‌بس و احتمال بروز تنش‌های جدید در منطقه می‌تواند بار دیگر قیمت‌ها را تحت‌تأثیر قرار دهد. به همین دلیل اگرچه بازار نفت فعلاً تحت‌فشار هم‌زمان افزایش احتمالی عرضه و ضعف تقاضا قرار گرفته است اما مسیر آینده قیمت‌ها همچنان به تحولات سیاسی و میزان پابیندی طرف‌ها به توافقات پیش‌رو وابسته خواهد بود.

سقف اختیارات شهرداری کجاست؟

انتقاد یک عضو شورای شهر از هزینه‌های شهرداری تهران



این عضو کمیسیون بودجه با اشاره به اینکه شهرداری برای مسائل بسیار جزئی‌تر مانند تمدید قراردادهای عادی، تعویق چک‌ها یا اعطای مهلت به مستأجران لایحه به شورا می‌آورد و ساعات‌ها وقت پارلمان شهری را می‌گیرد، این دوگانگی رفتاری را غیرقابل توجیه دانست و خواستار بازگرداندن تمام فرآیندهای مالی بحران به مسیر قانونی و نظارتی شورا شد.

پیش می‌برد که اساساً هیچ مجوزی برای آنها از شورا دریافت نکرده است. این اقدامات و کمک‌های بلاعوض ۴۰۰ میلیون تومانی به شهروندان آسیب دیده در جای خود قابل تقدیر است اما سوال اینجاست که سقف اختیارات شهرداری برای پرداخت‌های بلاعوض چقدر است؟ این مبالغ بر چه مبنایی و از کدام مرجع قانونی (مجلس یا شورا) مجوز گرفته است؟

داشت که خانه‌هایشان در دایره اصابت‌های موشکی قرار گرفته بود. طبق داده‌های آماری، حجم آسیب‌های سازه‌ای در پایتخت به شرح زیر تفکیک شده است:

رئیس کمیته ایمنی همچنین از پرداخت هزار و ۶۵۰ فقره ودیعه مسکن به شهروندان بی‌خانمان خبر داد که مبالغ آن به‌طور میانگین دو میلیارد تومان ودیعه (رهن) و ۴۰ میلیون تومان اجاره‌بها در نظر گرفته شده است. وی در عین حال یادآور شد که اگرچه جبران خسارت وسایل آسیب‌دیده منازل از لحاظ قانونی برعهده دولت است اما شهرداری تهران به‌منظور تسریع در فرآیند معیشتی مردم، اقدام به توزیع هزاران فقره «شهرکارت» بلاعوض کرده است؛ بسته‌ای شامل دو هزار و ۸۴ کارت ۱۰۰ میلیون تومانی، هزار و ۱۲۶ کارت ۲۰۰ میلیون تومانی و هزار و ۵۵۸ کارت ۴۰۰ میلیون تومانی.

گروه اجتماعی: با گذشت نزدیک به دو ماه از پایان «جنگ رمضان» ابعاد و عمق خسارات جانی، جراحی‌های زیرساختی و ناترازی‌های مالی پایتخت در چهارصدوشصت‌و‌نهمین جلسه علنی شورای اسلامی شهر تهران عریان شد. گزارش‌های رسمی ارائه شده در صحن پارلمان شهری نشان می‌دهند که تهران در طول این بحران ۴۵ روزه، یکی از سخت‌ترین دوره‌های تاب‌آوری شهری خود را پشت سر گذاشته است؛ به طوری که ثبت ۶۵۳ مورد اصابت و خسارت نزدیک به ۴۸ هزار واحد مسکونی، پایتخت را وارد یک فاز بازسازی اضطراری با بار مالی ۳۰ هزار میلیارد تومانی کرده است. این حجم از هزینه‌کرد اما مدیریت شهری را با چالش حقوقی جدی و اتهام «دور زدن قانون» از سوی کمیسیون برنامه و بودجه مواجه کرده است.

روزانه ۳۰ شهید و ۵ هزار مراجعه درمانی

براساس آمارهای تجمیعی در طول این جنگ، هزار و ۲۶۵ شهید در تهران شهید شدند که این آمار به‌معنای میانگین شهادت روزانه بیش از ۳۰ نفر در سطح شهر است. دایره آسیب‌های جانی به آمار شهدا محدود نمی‌شود؛ بابایی ثبت دو هزار و ۸۰۰ مصدوم و پنج هزار و ۷۰۰ مراجعه درمانی به بیمارستان‌ها و مراکز امدادی پایتخت را تأیید کرد و افزود که در حال حاضر ۱۲۵ تن از مجروحان به دلیل شدت جراحات همچنان در بخش‌های بیمارستانی بستری هستند.

آواربرداری از ۴۸ هزار واحد آسیب دیده

بخش عمده‌ای از گزارش کمیته ایمنی شورا به بررسی وضعیت مهندسی و اسکان مجدد شهروندانی اختصاص

شهر

سلامت

دارو در تنگنای تأمین

تلاش برای عبور از بحران مواد اولیه

در حالی که بازار دارو طی سال‌های اخیر بارها تحت‌تأثیر نوسانات ارزی، تحریم‌ها و مشکلات تأمین قرار گرفته است، وزیر بهداشت از توقف سه‌ماهه ورود بخشی از مواد اولیه دارویی از مسیر دریایی خبر داده؛ موضوعی که نگرانی‌هایی را درباره پایداری تولید دارو در ماه‌های آینده ایجاد کرده است. محمدرضا ظفرقندی، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، روز سه‌شنبه در حاشیه جلسه شورای عالی سلامت و امنیت غذایی اعلام کرد که به دلیل شرایط موجود و محدودیت‌های ایجاد شده در مسیرهای دریایی، ورود برخی مواد اولیه دارویی برای مدت سه ماه متوقف شده است. به گفته وی، وزارت بهداشت برای جلوگیری از اختلال در زنجیره تولید دارو، مسیرهای جایگزین حمل‌ونقل از جمله حمل ریلی و هوایی را فعال کرده همچنین هیأت‌هایی به کشورهای هند و چین و دیگر تأمین‌کنندگان اصلی مواد اولیه دارویی اعزام کرده است.

اهمیت این موضوع از آن جهت است که بخش قابل توجهی از مواد اولیه مورد نیاز صنعت داروسازی کشور از خارج تأمین می‌شود و هرگونه اختلال در فرآیند واردات می‌تواند بر روند تولید و عرضه برخی اقلام دارویی تأثیر بگذارد. با این حال وزیر بهداشت تأکید کرده که برنامه‌ریزی‌های لازم برای جلوگیری از کمبود دارو در حال انجام است.

ظفرقندی در بخش دیگری از سخنان خود به دغدغه افزایش هزینه‌های درمان و دارو برای مردم اشاره کرد و گفت که دارو نیز مانند سایر کالاها از تورم و تغییرات نرخ ارز تأثیر می‌پذیرد. با این حال سیاست وزارت بهداشت، افزایش پوشش بیمه‌ای داروها و کاهش سهم پرداختی بیماران است تا فشار اقتصادی کمتری بر خانوارها وارد شود.

وی همچنین بر ضرورت تجویز داروهای مورد تأیید وزارت بهداشت تأکید کرد و هشدار داد داروهایی که هنوز استانداردها و تأییدیه‌های لازم را دریافت نکرده‌اند نباید وارد چرخه تجویز و مصرف شوند؛ موضوعی که به گفته او با همکاری انجمن‌های علمی و سازمان نظام پزشکی در حال پیگیری است.

مسیر، همراهی و تاب‌آوری مردم می‌تواند به تسریع روند کمک کند».

رکن اصلی و مشترک تمامی این بیانیه‌ها، اصرار پدافندی بر حفظ امنیت داده‌هاست. شورا بار دیگر صراحتاً تأکید کرده که با وجود تأیید حمله سایبری در روزهای گذشته، هیچ‌گونه دسترسی غیرمجاز، افشای اطلاعات محرمانه یا آسیب به سپرده‌ها و موجودی حساب‌های مشتریان رخ نداده و داده‌های مالی در امنیت کامل قرار دارند.

هزینه ناترازی پدافند غیرعامل روی دوش زندگی روزمره مردم

اگرچه نهادهای حاکمیتی و تیم‌های تخصصی چهار بانک مذکور مدعی کار شبانه‌روزی برای پایدارسازی خدمات هستند اما این توقف چهار روزه، پاشنه آشیل اقتصاد دیجیتال و وابستگی شدید معیشت جامعه به بسترهای غیرحضوری را نمایان کرد. کاهش شدید گردش پول نقد در سال‌های اخیر سبب شده تا با قطع ۴۸ ساعته اینترنت بانک‌ها، حجم وسیعی از مبادلات تجاری خرد، چک‌های بین‌بانکی و تعهدات مالی شهروندان به بن‌بست برسد؛ تا جایی که بسیاری از مردم برای ساده‌ترین تراکنش‌ها به استفاده از کارت‌های اعتباری دوستان و آشنایان خود متوسل شده‌اند.

کارشناسان فناوری اطلاعات بر این باور هستند که اصرار بر محرمانگی دلایل فنی و عدم ایجاد «سامانه‌های پشتیبان موازی» عامل طولانی شدن این کماست. شبکه بانکی کشور نمی‌تواند با تکیه بر واژه‌هایی چون «تاب‌آوری و صبری مردم» ضعف‌های ساختاری خود را در به‌روزرسانی پیچ‌های امنیتی پوشاند. بازگشت تدریجی و قطره‌چکانی سرویس‌ها نشان می‌دهد که حجم تخریب یا تغییر در زیرساخت‌های پردازشی بسیار عمیق‌تر از یک «حمله محدود» بوده است و مسئولان باید به‌جای اصطلاحات دیپلماتیک، زمان دقیق پایداری کامل سیستم پرداخت کشور را اعلام کنند.

بزرگ‌ترین بانک دولتی کشور به مراتب وخیم‌تر است؛ سامانه «بام» با اختلال شدید روبرو، اپلیکیشن «بله» توانایی ارائه خدمات اطلاع‌رسانی بانک ملی را ندارد، سیستم ارسال پیامک‌های اریز و برداشت به‌طور کامل قطع شده و حتی برخی خدمات در سطح شعب نیز از دسترس کاربران خارج است.

از «عذرخواهی دوم» تا درخواست صبری

شکست سناریوی اعلام وضعیت عادی، سرانجام شورای هماهنگی بانک‌های دولتی را ناچار به عقب‌نشینی و صدور دومین بیانیه پوزش طی چهار روز گذشته کرد. این شورا با تأیید ضمنی این نکته که وعده‌های شرکت خدمات انفورماتیک برای حل سریع بحران محقق نشده به‌صراحت اعلام کرد که «بازگشت به شرایط نرمال همچنان نیازمند زمان است و مشتریان باید صبور باشند».

شورای هماهنگی بانک‌ها در متن اطلاعیه جدید خود آورد: «متأسفانه در روزهای اخیر اختلالات ناشی از چالش‌های فنی در زیرساخت‌های پردازشی و ارتباطی به‌وجود آمده است. رفع کامل این اختلال نیازمند طی شدن فرآیندهای پیچیده فنی و صرف زمان برای اطمینان از پایداری سامانه‌هاست. در این

بحران بانکداری

پنج روز از قطعی چهار بانک دولتی گذشت



فانزه مومنی

گروه اجتماعی

با گذشت ۹۶ ساعت از تهاجم سایبری به زیرساخت‌های الکترونیک چهار بانک بزرگ کشور (ملی، تجارت، صادرات و توسعه صادرات)، شهروندان تهرانی و سایر نقاط کشور همچنان درگیر یک سردرگمی، نگرانی و فلج همه‌جانبه در دسترسی به دارایی‌های خود هستند. ماجرای این بحران عمیق که از پامداد شنبه ۲۳ خردادماه ۱۴۰۵ کلید خورد اکنون وارد فاز جدیدی از تناقض‌گویی‌های رسمی شده است؛ فازی که در آن مسئولان فنی با صدور بیانیه‌های تکراری، وعده «رفع اختلال در سریع‌ترین زمان ممکن» را می‌دهند اما گزارش‌های میدانی از واقعیت تلخ دیگری در ویرتین خدمات غیرحضوری خبر می‌رسانند.

سناریوی تکراری «همه چیز عادی است» و تداوم قطع سامانه‌ها

شرکت خدمات انفورماتیک و بانک‌های آسیب‌دیده شامگاه سه‌شنبه با صدور اطلاعیه‌هایی جداگانه مدعی شدند که اختلال خدمات اینترنتی، غیرحضوری و سرویس‌های مبتنی بر کارت، پایداری خود را بازیافته‌اند. بانک‌های تجارت و صادرات حتی گام را فراتر نهاده و اعلام کردند در کمتر از ۲۴ ساعت از وقوع حمله، سرویس‌های کارتی و غیرحضوری خود را فعال کرده‌اند. اما رصد میدانی و تجربه کاربری شهروندان تا دیروز (سه‌شنبه ۲۶ خردادماه) خط بطلانی بر این ادعاها کشید. در حال حاضر تنها خدمات مبتنی بر کارت در پایانه‌های فروشگاهی (POS) و دستگاه‌های خودپرداز (ATM) فعال است. در سمت دیگر ماجرا، رگ‌های حیاتی بانکداری دیجیتال یعنی موبایل‌بانک‌ها و اینترنت‌بانک‌های این چهار بانک بزرگ کاملاً قطع یا با پیغام‌های خطای مکرر مواجه هستند. وضعیت در



